

یک روز در خانه پیامبر ﷺ

تألیف:

عبدالملک القاسم

مترجم:

عبدالقادر ترشابی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه مترجم.....
۴.....	مقدمه مؤلف.....
۶.....	دیدار.....
۹.....	سفر.....
۱۱.....	شکل و شمایل پیامبر ﷺ.....
۱۲.....	سخن گفتن پیامبر ﷺ.....
۱۳.....	داخل خانه.....
۱۵.....	خویشاوندان.....
۱۷.....	پیامبر ﷺ در خانه اش.....
۱۹.....	سیرت و صورت پیامبر اکرم ﷺ.....
۲۲.....	دختران پیامبر اکرم ﷺ.....
۲۵.....	رفتار با همسر.....
۲۸.....	چند همسری (تعدد زوجات).....
۳۱.....	شوخی رسول خدا ﷺ.....
۳۳.....	خواب نبی اکرم ﷺ.....
۳۵.....	شب زنده داری.....
۳۷.....	بعد از نماز صبح.....

۳۸.....	نماز چاشت
۳۹.....	خواندن نمازهای نفل در خانه
۴۰.....	گریه کردن نبی اکرم ﷺ
۴۲.....	تواضع نبی اکرم ﷺ
۴۴.....	خدمتگزار نبی اکرم ﷺ
۴۶.....	هدیه و مهمان نوازی
۴۹.....	شفقت و مهرورزی رسول خدا ﷺ به کودکان
۵۳.....	صبر و بردباری
۵۸.....	غذای رسول الله ﷺ
۶۲.....	دفاع از آبروی دیگران
۶۴.....	کثرت ذکر خداوند متعال
۶۵.....	همسایه
۶۶.....	برخورد خوب
۶۷.....	ادای حقوق
۶۸.....	شجاعت و صبر رسول خدا ﷺ
۷۱.....	دعای رسول خدا ﷺ
۷۳.....	پایان ملاقات
۷۵.....	لحظات خداحافظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

در یکی از سفرهایم به سرزمین وحی، طبق عادت همیشگی ام سری به کتابفروشیهای آنجا زدم و تعدادی کتاب خریدم. یکی از کتابهایی که مرا بسوی خود کشید و توجهم را جلب نمود، همین کتاب بود. زیرا یک روز در خانه پیامبر بودن، آرزوی هر مسلمانی است. لذا به سرعت آن را مطالعه نمودم و چون کتاب را بسیار مفید یافتم، تصمیم گرفتم آن را به زبان فارسی برگردانم تا مورد استفاده فارسی زبانان محترم قرار گیرد. همانجا ترجمه اش را آغاز نمودم و بیشترش را ترجمه کردم. وبعد از اتمام سفر، ترجمه اش را به پایان رساندم. امیدوارم خداوند عز و جل این عمل ناچیز را از بنده بپذیرد و روز قیامت در ترازوی نیکیهایم قرار دهد.

عبدالقادر ترشابی

مقدمه مؤلف

بیشتر مردم این زمان، در افراط و تفریط بسر می برند. برخی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دچار افراط شده اند. گروهی دیگر هم به اندازه ای دچار تفریط شده اند که اخلاق و سیرت گهربار نبی رحمت صلی الله علیه و آله را به فراموشی سپرده اند و از آن به عنوان اسوه و الگو استفاده نمی کنند. از آنجایی که بنده می خواستم سیرت و جزئیات زندگی مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله را با اسلوبی آسان به عموم مسلمانان تقدیم کنم و آنان را با این پرچم هدایت آشنا سازم، گوشه هایی از صفات و ویژگیهای اخلاقی نبی اکرم صلی الله علیه و آله را بر اساس نیاز مردم گلچین نمودم و این چند صفحه را که هر چند مقصودم را برآورده نمی سازد، به رشته تحریر درآوردم و برای بیان هر خصلت، به ذکر دو یا سه حدیث اکتفا کردم. حقا که حیاتش، حیات امت، حیات دعوت و حیات بشریت بود. آن حضرت صلی الله علیه و آله در طاعت و عبادت، اخلاق و رفتار و بزرگواری، یک امت بود. همین کافی است که خداوند عز و جل درباره اش می فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴]. یعنی: «تو دارای اخلاقی بزرگ و پسندیده هستی».

اهل سنت و جماعت، همان منزلتی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله قایلند که خداوند به او عنایت کرده است. آنان، او را بنده، رسول، دوست و برگزیده خدا می دانند، او را بیشتر از پدران و فرزندان و بلکه بیشتر از خودشان دوست دارند، ولی افراط و زیاده روی نمی کنند؛ بلکه به همان منزلتی که خداوند به ایشان عنایت کرده است، کفایت می کنند. ما هم در همین مسیر حرکت می کنیم. جشن میلاد نمی گیریم، بلکه او را دوست داریم، از دستوراتش اطاعت می کنیم، سخنانش را تصدیق می نماییم و از آنچه که از آن نهی نموده است، اجتناب می ورزیم.

و أنه خير خلق الله كلهم	فمبلغ العلم فيه أنه بشر
من نور يلوح و يشهد	أغر عليه للنبوّة خاتم

و ضم الله اسم النبی إلى اسمه إذا قال فی الخمس المؤذن أشهد
و شق له من اسمه لیجله فذو العرش محمود و هذا احمد

«نهایت علم در مورد پیامبر ﷺ این است که او، بشر و بهترین مخلوق خداوند است و از نور، زیباتر می باشد و مهر نبوت که آشکار است و به پیامبریش گواهی می دهد، بر او زده شده است. خداوند، نام او را در کنار نام خودش قرار داده است؛ چنانچه مؤذن در اذانهای پنجگانه، نام او را در کنار نام خدا یاد می کند. همچنین خداوند، نام او را به خاطر بزرگداشتش از نام خود مشتق نموده است؛ چراکه صاحب عرش، خداوند متعال، ستوده و محمود است و او، احمد نام دارد».

اگر چه گذشت زمان، میان ما فاصله انداخته و نتوانستیم محبوبمان را ببینیم، اما از خداوند ﷻ می خواهیم ما را در زمره کسانی قرار دهد که رسول خدا ﷺ درباره آنان فرموده است: «دوست داشتم برادرانمان را می دیدیم». صحابه ﷺ گفتند: ای رسول خدا! آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: «شما یاران من هستید. برادران ما، آن کسانی هستند که هنوز نیامده اند». گفتند: کسانی را که هنوز نیامده اند، چگونه می شناسی؟! فرمود: «اگر فردی در میان یک گله اسب سیاه، اسبهایی داشته باشد که پیشانی و دست و پایشان سفید است، آیا اسبهایش را نمی شناسد؟» گفتند: بلی ای رسول خدا! فرمود: «آنان در حالی نزد من می آیند که چهره و دست و پای آنان بر اثر وضو، سفید است و من، آنها را از حوض کوثر آب می دهم». [روایت مسلم].

همچنین از خداوند ﷻ می خواهیم که ما را در زمره پیروان راستین سنت و سیرت او قرار دهد و نیز از خداوند ﷻ مسألت می نمایم که ما را در بهشت جاویدان، در کنار او جای دهد و به پاس خدماتش، بهترین پاداشها را به او عنایت فرماید.

عبدالملک بن محمد بن عبدالرحمن القاسم

دیدار

چندین قرن به عقب بر می گردیم و صفحات گذشته تاریخ را ورق می زنیم، به مطالعه آن می پردازیم و درباره آنچه در لابلای صفحات تاریخ نوشته شده، فکر می کنیم و از طریق حروف و کلمات، برای دیدار رسول الله ﷺ به خانه اش می رویم؛ به خانه اش وارد می شویم تا اوضاع و احوالش را از نزدیک ببینیم و سخنانش را بشنویم. فقط یک روز در خانه نبوت می مانیم تا از درسها و اندرزهایش استفاده کنیم و از سخنان و اعمالش، مستفیض شویم.

امروزه دروازه های شناخت به روی مردم باز شده است؛ چرا که بسیار مطالعه می کنند و توسط کتاب، نشریات، فیلم و مستندهای تلویزیونی به دیدن شرق و غرب دنیا می روند. در حالی که ما، سزاوارتریم که به دیدن خانه نبی اکرم ﷺ برویم و به معارف و مشاهداتمان بطور جدی عمل کنیم و چون وقتمان، کم است، فقط به موضوعات خاصی در خانه اش می پردازیم شاید بتوانیم خود و خانه هایمان را اصلاح نماییم.

برادر و خواهر مسلمانم! ما تنها به خاطر شنیدن آنچه از دیدگانمان پنهان مانده است و به منظور شناختن حال گذشتگان، سالها و قرنهای عقب بر نمی گردیم؛ بلکه با خواندن سیرت رسول اکرم ﷺ و پیروی از سنتش و گام نهادن در راه آن حضرت ﷺ به عبادت خدا می پردازیم و از دستور خداوند ﷻ مبنی بر محبت به رسول الله ﷺ اطاعت می کنیم. یکی از مهمترین علامات محبت به آن حضرت ﷺ، اطاعت از دستوراتش و اجتناب از منهیاتش و تصدیق سخنانش می باشد. خداوند ﷻ می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل

عمران: ۳۱].

یعنی: «بگو: اگر شما خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید. در این صورت خدا شما را دوست می‌دارد و گناهان شما را مغفرت می‌کند و خداوند، بخشنده و مهربان است».

و در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۖ﴾ [الأحزاب: ۲۱].

یعنی: «برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خداوند را زیاد یاد می‌کنند، شخص رسول خدا، الگوی خوبی است».

خداوند متعال، مسأله اطاعت و پیروی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در حدود چهل آیه از قرآن، مطرح کرده است و در روز قیامت هیچ راه سعادت و نجاتی جز پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود ندارد.

﴿وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ وَمَن يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا ﴿[النساء: ۱۳-۱۴].

یعنی: «هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، خداوند او را به باغهایی از بهشت وارد می‌کند که در آنها نهرها جاری است و آنان جاودانه در آن باغها می‌مانند و این، رستگاری بزرگی است. و هر کس از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از مرزهای خدا تجاوز نماید، خداوند او را وارد آتش می‌نماید».

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوستی اش را یکی از عوامل دستیابی به حلاوت ایمان، معرفی نموده و فرموده است: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ وَجَدَ لَهُنَّ حِلَاوَةَ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا». یعنی: «هر کس، سه خصلت داشته باشد، شیرینی ایمان را می‌چشد: اول اینکه خدا و رسولش نزد او از سایر چیزها محبوبتر باشند؛...».

در حدیثی دیگر آن حضرت صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ». [بخاری و مسلم].

یعنی: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، هیچیک از شما تا زمانی که من، نزد او از پدر و فرزندش، محبوبتر نباشم، مؤمن به شمار نمی‌رود».

علاوه بر آن، سیرت رسول الله ﷺ سیرتی گهربار و پاک است که از آن درس می‌گیریم و بر اساس آن حرکت می‌کنیم.

سفر

سفر به خانه رسول الله ﷺ و دیدن جزئیات زندگی و اسلوب رفتارش، بسیار دل انگیز است. چرا اینگونه نباشد در حالی که ما، آگاهی از سیرتش را اجر و ثواب می دانیم؟ زیرا سراسر آن، درس، پند، اندرز، الگو و نمونه می باشد. این سفر، سفری میان کتب و روایاتی است که از زبان صحابه رضی الله عنهم نقل شده است.

اینک به مدینه منوره نزدیک می شویم و یکی از بزرگترین رموز آن، یعنی کوه احد، در برابر چشمانمان خودنمایی می کند؛ آری! این، همان کوهی است که رسول الله ﷺ درباره آن فرمود: «هَذَا جَبَلٌ يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ». [متفق علیه]

یعنی: «این، کوهی است که او، ما را دوست دارد و ما، او را دوست داریم». قبل از اینکه وارد خانه رسول خدا ﷺ شویم و ساختمان و شکل ظاهری آن را ببینیم، باید بگوییم: اگر خانه ای بسیار محقر و گلیمی بسیار کوچک دیدیم، نباید تعجب کنیم. زیرا رسول اکرم ﷺ بی علاقه ترین شخص نسبت به دنیا بوده و به زرق و برق و اموال دنیا چشم ندوخته بود؛ بلکه آنچه، باعث سردی چشمانش می شد و او را خوشحال می کرد، نماز بود. [روایت نسایی]

وی، خودش در مورد دنیا فرموده است: «مَا لِي وَلِلدُّنْيَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مَثَلِي، وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ سَارَ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا». [روایت ترمذی]

یعنی: «مرا با دنیا چه کار؟ مثال من و دنیا، مانند مسافری است که در یک روز تابستانی بعد از طی مسیری، در سایه یک درخت، ساعتی از روز را به استراحت می پردازد و سپس می رود و آن را ترک می کند».

به سوی خانه رسول خدا ﷺ به راه افتادیم و برای رسیدن به آن گامهای تندتری بر می داریم و کوچه های مدینه را یکی پس از دیگری پشت سر می گذاریم. اکنون خانه

های همسران نبی اکرم ﷺ به چشم می خورد که دیوارهایشان از برگ درخت خرما و گل و از سنگهای روی هم چیده شده، می باشد و سقفهایشان نیز با برگ درخت خرما پوشیده شده است.

حسن می گوید: در دوران خلافت عثمان رضی الله عنه وارد خانه های همسران نبی اکرم ﷺ شدم، دستم به سقف آنها می رسید.

آری! خانه های محقر و بسیار کوچک، اما ایمان و طاعت و وحی و رسالت، از در و دیوارشان می بارد.

شکل و شمایل پیامبر ﷺ

به خانه نبی اکرم ﷺ نزدیک می‌شویم و در می‌زنیم تا به ما اجازه ورود بدهد؛ لحظاتی خیالمان را با کسانی رها کنیم که پیامبر اکرم ﷺ را دیده‌اند تا آن حضرت ﷺ را برای ما طوری توصیف کنند که گویا او را می‌بینیم و بدین سان سیما و چهره خدانش را بشناسیم.

براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: خلقت و چهره نبی اکرم ﷺ از همه مردم زیباتر بود، نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه بود. [روایت بخاری]

و در روایت دیگر می‌فرماید: نبی اکرم ﷺ فردی چهارشانه بود، شانه‌هایش از یکدیگر فاصله داشتند. موهایش تا نرمه گوش‌هایش می‌رسید؛ او را در حله‌ای قرمز رنگ دیدم و هرگز کسی زیباتر از او ندیدم». [روایت بخاری]

ابواسحاق سیعی می‌گوید: مردی از براء بن عازب رضی الله عنه پرسید: آیا چهره رسول الله ﷺ مانند شمشیر بود؟ گفت: نه، بلکه مانده ماه بود. [روایت بخاری]

انس رضی الله عنه می‌گوید: هیچ‌گونه دیبا و ابریشمی و هیچ چیز دیگری، نرمتر از کف دست رسول الله ﷺ لمس نکرده‌ام و همچنین هیچ بویی خوشبوتر از بوی رسول خدا ﷺ به مشام نرسیده است. [بخاری و مسلم]

یکی از ویژگی‌های آن حضرت ﷺ، شرم و آرم بود، تا جایی که ابوسعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ از دوشیزگان زیر چادر، شرم و حیای بیشتری داشت و هرگاه چیزی را می‌دید که مورد پسندش واقع نمی‌شد، ما، آن را از چهره‌اش می‌فهمیدیم. [روایت بخاری]

آنچه گفته شد، مختصری از شمایل و اخلاق رسول خدا ﷺ بود. ولی باید دانست که خداوند، خلقت و اخلاقی کامل به آن حضرت ﷺ عنایت کرده است.

سخن گفتن پیامبر ﷺ

اینک که پیامبر اکرم ﷺ را دیدیم و با برخی از صفاتش آشنا شدیم، ببینیم که چگونه و به چه روشی سخن می گوید. اما قبل از اینکه سخن گفتن آن حضرت ﷺ را بشنویم، گوش دل به سخنان یارانش می سپاریم تا ببینیم در این باره چه می گویند:

عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول الله ﷺ مانند شما پشت سر هم و بی وقفه سخن نمی گفت، بلکه بسیار روشن و شمرده صحبت می کرد؛ طوری که افرادی که آنجا نشسته بودند، سخنانش را حفظ می کردند». [روایت ابوداود]

او، انسانی باتحمل و بردبار بود و دوست داشت که مردم، سخنانش را بفهمند. از آنجا که به امتش بسیار علاقه مند بود، تفاوت های مردم و میزان درک و شناخت آنان را در نظر می گرفت و همین مسأله، باعث می شد تا فردی بردبار و صبور باشد.

عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول الله ﷺ شمرده سخن می گفت، طوری که هر شنونده ای، آن را می فهمید». [روایت ابوداود]

به حوصله و شرح صدر آن حضرت ﷺ بیندیشید که سخنانش را تکرار می کند تا همه، آن را دریابند.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: «رسول خدا ﷺ یک کلمه را در صورت نیاز سه بار تکرار می کرد تا مردم بفهمند».

رسول رحمت ﷺ با مردم با ملاطفت، برخورد می کرد و می کوشید تا از ترس و وحشت آنان بکاهد؛ چراکه بعضی از مردم از هیبتش وحشت می کردند.

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: مردی نزد نبی اکرم ﷺ آمد و شروع به صحبت کردن با او نمود. در حالی که بازوهایش می لرزید. رسول خدا ﷺ فرمود: «بر خود آسان بگیر؛ زیرا من، پادشاهی نیستم؛ بلکه فرزند زنی هستم که گوشت خشک می خورد». [روایت ابن ماجه].

داخل خانه

رسول اکرم ﷺ به ما اجازه ورود داد؛ لذا وارد خانه نبی این امت شدیم تا نگاهی به آن بیندازیم.

صحابه رضی الله عنهم حقیقت محتویات این خانه از قبیل اثاث، رختخواب و سایر وسایل آن را برای ما روایت می‌کنند. ما می‌دانیم که نگاه کردن به داخل خانه‌ها و اتاقهای مردم و جستجو در این مورد، درست نیست. اما به خاطر تأسی و الگوپذیری، نگاهی به این خانه می‌اندازیم تا از محتویات آن مطلع شویم. این، خانه‌ای است که بر اساس تواضع و فروتنی بنیانگذاری شده و سرمایه‌اش، ایمان است. مگر نمی‌بینید که بر دیوارهایش هیچگونه عکس و تصویر جاننداری مثل بسیاری از خانه‌های امروزی، آویزان نشده است. زیرا رسول الله ﷺ فرموده است: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تَصَاوِيرُ».

[بخاری و مسلم]

«فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ و یا تصویر باشد، وارد نمی‌شوند».

نگاه دیگری به خانه پیامبر ﷺ بیندازید تا برخی از وسایلی را مشاهده کنید که آن حضرت ﷺ در زندگی روزانه‌اش از آنها استفاده می‌نمود.

ثابت رضی الله عنه می‌گوید: انس بن مالک رضی الله عنه لیوانی ضخیم را که از چوب ساخته شده و با قطعه‌ای فلزی بسته شده بود، به ما نشان داد و گفت: «ای ثابت! این، لیوان رسول الله ﷺ است». [روایت ترمذی]

پیامبر اکرم ﷺ در این لیوان، آب، شیر، خرما، عسل و شیر می‌نوشید. [روایت ترمذی]

انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ هنگام نوشیدن آب، سه بار تنفس می‌کرد. [بخاری و مسلم]

و نبی اکرم ﷺ از تنفس کردن داخل ظرف، منع فرمود. [روایت ترمذی]

اما شاید زرهی که رسول خدا ﷺ در روزهای سخت جهاد و مبارزه در میدانهای نبرد از آن استفاده می نمود، داخل خانه نباشد. زیرا طبق گفته عایشه صدیقه رضی الله عنها، آن حضرت ﷺ آن را در برابر سی صاع جو که از یک یهودی قرض گرفته بود، در رهن گذاشت. [بخاری و مسلم] و هنگام وفات پیامبر، آن زره، همچنان نزد همان یهودی بود.

رسول اکرم ﷺ سرزده و ناگهانی نزد خانواده اش نمی رفت تا مبادا غافلگیر شوند. بلکه با اعلان قبلی وارد خانه می شد و هنگام ورود، سلام می کرد. [زاد المعاد: ۲/۳۸۱]

با چشمی جستجوگر و قلبی آگاه به این حدیث رسول اکرم ﷺ فکر کنید که فرمود:

«طُوبَى لِمَنْ هَدَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَقَنَعَ». [روایت ترمذی]

یعنی: «خوشا به حال کسی که به سوی اسلام هدایت شده و زندگیش، به اندازه کفاف بوده و به همین، قانع باشد».

به حدیث دیگری گوش بسپار که نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَافًى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمِهِ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحَدَافِيرِهَا». [روایت ترمذی]

یعنی: «هر کس صبح کند در حالی که از درویش، احساس امنیت می کند و بیمار نیست و قوت آن روزش را دارد، گویا همه دنیا برایش فراهم شده است».

خویشاوندان

پیامبر این امت صلی الله علیه و آله به اندازه ای حقوق خویشاوندانش را ادا می کرد و صله رحمی را به جا می آورد که در سخن نمی آید. او، در این باب بهترین و کاملترین انسانها بود؛ چنانکه کفار قریش نیز، او را قبل از بعثتش ستودند و او را صادق امین لقب دادند. خدیجه رضی الله عنها به آن حضرت صلی الله علیه و آله چنین گفت: «تو حق صله رحم را به جا می آوری و در سخنان صداقت داری».

آری! مشاهده می کنید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از بزرگترین حقوق را ادا می کند و به یکی از مهمترین وظایف خویش عمل می نماید؛ او به زیارت مادرش می رود که در هفت سالگی او را از دست داده است.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر مادرش رفت و به اندازه ای گریست که اطرافیانش نیز گریه کردند؛ سپس فرمود: «اسْتَأْذَنْتُ رَبِّي أَنْ أَزُورَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِي، وَاسْتَأْذَنَتْهُ أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يُوْذَنْ لِي، فَرُزُّوْا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْمَوْتَ». [روایت مسلم]

یعنی: «از پروردگارم اجازه خواستم تا برای مادرم طلب مغفرت کنم. به من اجازه نداد. از او اجازه خواستم تا به زیارت قبرش بروم؛ به من اجازه داد. پس قبرها را زیارت کنید؛ زیرا زیارت قبور، یادآور مرگ است».

ببینید رسول خدا صلی الله علیه و آله به خویشاوندان، چه محبتی داشت و چقدر علاقه مند بود که دعوتش را لبیک بگویند و هدایت شوند و از آتش دوزخ نجات یابند و در این راه چه مشکلات و سختیهای را که تحمل نمود!

ابوهریره رضی الله عنه میگوید: هنگامی که آیه: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعرا: ۲۱۴]. نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله قریش را فرا خواند و آنها را بطور عمومی و خصوصی مورد خطاب قرار داد و فرمود: «يَا بَنِي عَبْدِ شَمْسٍ، يَا بَنِي كَعْبٍ بْنِ لُؤَيٍّ، أَنْقِذُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي مُرَّةَ بْنِ كَعْبٍ، أَنْقِذُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ، أَنْقِذُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي هَاشِمٍ،

أَتَقِذُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَتَقِذُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا فَاطِمَةُ، أَتَقِذِّي نَفْسَكَ مِنَ النَّارِ؛ فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا غَيْرَ أَنَّ لَكُمْ رَحِمًا سَأَبُلُّهَا بِلَالِهَا». [روایت مسلم]

یعنی: «ای فرزندان عبد شمس و ای فرزندان کعب بن لؤی! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان مره بن کعب! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان عبدمناف! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان هاشم! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان عبدالمطلب! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فاطمه! خودت را از آتش جهنم نجات بده؛ زیرا من در برابر خدا نمی‌توانم هیچ کاری برای شما انجام دهم مگر اینکه یک حق خوشاوندی دارید که تا هنگامی که باقی است، - یعنی در دنیا - آن را ادا می‌کنم».

شما مشاهده می‌کنید که محبوب ما از دعوت عمویش ابوطالب خسته نشد. بلکه او را دعوت داد، تا جایی که هنگام احتضار ابوطالب نزد او رفت و دید که ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه آنجا نشسته‌اند؛ آنگاه به عمویش گفت: «عمو جان! بگو: لا اله الا الله؛ یک کلمه، بیشتر نیست؛ به وسیله آن نزد خداوند از تو دفاع خواهم کرد». ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه گفتند: ای ابوطالب! آیا از دین عبدالمطلب رویگردانی می‌کنی و آنقدر با او صحبت کردند تا اینکه آخرین کلمه‌ای که بر زبان آورد، این بود که گفت: بر دین عبدالمطلب.

نبی اکرم ﷺ فرمود: «تا زمانی که منع نشوم، برایت استغفار خواهم کرد». آنگاه این آیه نازل شد: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: ۱۱۳].

یعنی: «شایسته پیامبر و مؤمنین نیست که برای مشرکین طلب مغفرت کنند. اگرچه خویشاوندانشان باشند، بعد از اینکه برای آنان روشن شده است که آنان جهنمی‌اند».

این آیه نیز نازل شد: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ﴾ [القصص: ۵۶].

یعنی: «هر که را تو بخواهی، نمی‌توانی هدایت کنی». [روایت بخاری، مسلم و

پیامبر ﷺ در خانه‌اش

خانه هر فرد، ملک حقیقی اوست که خوش رفتاری، ادب، حسن معاشرت و اصالت او، در آن آشکار می‌شود. او، در خانه و پشت دیوارها قرار دارد و هیچکس او را نمی‌بیند و با خادم و همسرش بدون هیچگونه تکلف و تعارفی بر اساس سرشت اصلی خود رفتار می‌کند. او این رویه را در حالی دارد که همه کاره این خانه است و تمام زیردستانش افراد ضعیفی هستند. اکنون رهبر و معلم این امت را ببینیم که با وجود جایگاه و منزلت بالایی که از آن برخوردار است، در خانه‌اش چگونه رفتار می‌کند. از عایشه صدیقه رضی الله عنها پرسیدند: رسول الله ﷺ در خانه چه کار می‌کرد؟ گفت: بشری مانند سایر افراد بشر بود. لباسش را می‌دوخت، گوسفندانش را می‌دوشید و خودش کارهایش را انجام می‌داد. [روایت احمد و ترمذی]

او نمونه تواضع و فروتنی بود؛ تکبر نمی‌کرد، به دیگران دستور نمی‌داد که کارهایش را انجام دهند و در کارهای خانه مشارکت می‌نمود و کمک خوبی برای خانواده‌اش بود. مشاهده می‌کنیم که همه این کارها را برگزیده فرزندان آدم انجام می‌دهد. بله! در خانه‌ای که نور این دین از آنجا نورافشانی می‌کند، حتی آن مقدار خوراکی هم وجود ندارد که رسول اکرم ﷺ را سیر کند.

نعمان بن بشیر رضی الله عنه که درباره نبی اکرم ﷺ سخن می‌گفت، فرمود: «پیامبر شما را در حالی دیدم که خرمای خشکی هم نمی‌یافت که شکمش را سیر کند». [روایت مسلم]

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «ما اهل بیت محمد ﷺ یک ماه آتش روشن نمی‌کردیم؛ غذای ما، آب و خرما بود». [روایت بخاری]

همچنین هیچ چیز، نبی اکرم ﷺ را از عبادت باز نمی‌داشت؛ هرگاه ندای **حي علي الصلاة و حي علي الفلاح** را می‌شنید، به سرعت اجابت می‌کرد و دنیا را پشت سر می‌گذاشت.

اسود بن یزید می گوید: از عایشه پرسیدم: نبی اکرم ﷺ در خانه چکار می کرد؟ گفت: «در خدمت خانواده اش بود. به محض اینکه صدای اذان را می شنید، بیرون می رفت». [روایت بخاری]

درباره نبی اکرم ﷺ نقل نشده که یکی از نمازهای فرض را در خانه خوانده باشد مگر هنگامی که بیمار شد و تب او شدت گرفت و نتوانست از خانه بیرون برود و آن هم در بیماری وفاتش بود.

رسول خدا ﷺ با وجود مهربانی و شفقتی که نسبت به امتش داشت، درباره کسانی که نماز جماعت را ترک می کنند، الفاظ تندی به کار برد و فرمود: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أُمَرَ بِالصَّلَاةِ فَتَقَامَ ثُمَّ أُمِرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأُحَرِّقُ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «تصمیم گرفتم دستور دهم تا نماز، اقامه گردد، سپس به مردی دستور دهم تا برای مردم امامت دهد، آنگاه گروهی را با دسته های هیزم با خود ببرم و کسانی را که به نماز جماعت نمی آیند، با خانه هایشان آتش بزنم».

باید توجه داشت که حدیث فوق اهمیت نماز جماعت را می رساند. همچنین نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ». [ابن ماجه و ابن حبان].

یعنی: «هر کس صدای اذان را بشنود و اجابت نکند، نمازش پذیرفته نمی شود مگر اینکه عذری داشته باشد».

قابل یادآوری است که علما، فقط ترس و بیماری را عذر دانسته اند.

اینک کجا هستند کسانی که کنار همسرانشان، نماز می خوانند و مساجد خدا را ترک کرده اند؟ آیا آنها معذورند؟!.

سیرت و صورت پیامبر اکرم ﷺ

حرکات و سکانات هر شخص، دلیل میزان عقل و کلید قلبش می باشد.

ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه بهترین شخصی است که اخلاق نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را معرفی می کند و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را دقیقتر از دیگران توصیف می نماید؛ چراکه او در موقعیتها و حالتهاى مختلف از قبیل خواب، بیداری، بیماری، صحت، خوشی و خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کنار ایشان بود.

ام المومنین عایشه رضی الله عنها می گوید: «لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا وَلَا صَخَّابًا فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يُجْزَى بِالسَّيِّئَةِ مِثْلَهَا وَلَكِنْ يَغْفُو وَيَصْفَحُ». [روایت احمد]

یعنی: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نه اخلاق ناسزاگویی داشت و نه ناسزا می گفت. همچنین در بازارها سر و صدا نمی کرد و بدی را با بدی، پاسخ نمی داد. بلکه عفو و گذشت می نمود». اخلاق نبی این امت، این نعمت بزرگ الهی را نوه اش حسین رضی الله عنه برای ما توصیف می کند. وی می گوید: از پدرم درباره رفتار نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دوستانش پرسیدم. گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم همیشه شاداب بود؛ اخلاق نرمی داشت، متواضع و فروتن بود؛ فرد خشنی نبود که سر و صدا راه بیندازد و یا به شدت متغیر شود؛ بلکه اگر به خوردن چیزی تمایل نداشت، بدون اعلام تنفر، نمی خورد. فردی که نزد او می آمد، ناامید برنمی گشت و متضرر نمی شد. از سه چیز، نفسش را آزاد کرده بود: ریا، حرف زدن زیاد و کارهای بیهوده؛ مردم را هم از سه چیز آزاد کرده بود: هیچکس را مذمت نمی کرد، عیبش را بیان نمی نمود و به دنبال آبرویش نبود. تنها درباره چیزی سخن می گفت که امید ثواب داشت. هنگامی که سخن می گفت، حاضران، سکوت می کردند طوری که گویا بر سرشان پرنده ای نشسته است و چون او سکوت می نمود، آنان، صحبت می نمودند؛ صحابه نزد وی جر و بحث نمی کردند؛ اگر کسی نزد وی سخن می گفت، بقیه سکوت می نمودند تا سخنش پایان یابد. از آنچه که آنان می خندیدند، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نیز می خندید؛ از آنچه آنان،

تعجب می کردند، او نیز تعجب می کرد و اگر فرد بیگانه‌ای با خشونت سخن می گفت و یا مطلبی را آنچنان می پرسید که صحابه قصد تنبیه آن شخص را می کردند، او، صبر پیشه می نمود و می فرمود: «هرگاه نیازمندی را دیدید، به او کمک کنید».

به ارزشهای اخلاقی و خصلتهای پاک نبی این امت یکی پس از دیگری فکر کنید و به گوشه‌ای از آنها عمل نمایید و سعی کنید که بهره‌ای از آنها داشته باشید؛ زیرا خیر و نیکی فراوانی در آنها نهفته است.

یکی از عاداتش، این بود که به اطرافیانش امور دینی را آموزش می داد؛ چنانکه در یکی از جلساته‌اش فرمود: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نَدَا دَخَلَ النَّارَ». [روایت بخاری] یعنی: «هر کس، در حالی بمیرد که کسی جز خداوند را صدا می زند، وارد آتش می شود».

همچنین فرمود: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «مسلمان - حقیقی - کسی است که مسلمانان، از دست و زبانش سالم بمانند و مهاجر حقیقی کسی است که آنچه را خداوند، نهی کرده است، ترک کند».

و فرمود: «بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي الظُّلُمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [روایت ترمذی] یعنی: «کسانی را که در تاریکیها به سوی مساجد می روند، به نوری کامل در روز قیامت بشارت بده».

و فرمود: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّنِّكُمْ». [روایت ابوداود]

یعنی: «با مال و جان و زبان خود، با مشرکین مبارزه کنید».

و نیز فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ، مَا يُتَّبَنُ فِيهَا، يَزِلُّ بِهَا فِي النَّارِ أَبَدًا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «بنده بدون فکر و اندیشه، سخنی به زبان می آورد و آن سخن باعث می شود که در عمقی دورتر از فاصله مشرق و مغرب در آتش سقوط کند».

«إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لَعَنًا وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً». [روایت مسلم].

یعنی: «من مبعوث نشده ام تا مردم را نفرین کنم؛ بلکه به عنوان رحمت برای مردم مبعوث شده ام».

عمر بن خطاب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «در تعریف و تمجید من افراط نکنید، آنطور که نصاری درباره فرزند مریم - عیسی - افراط کردند».

جندب بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: شنیدم که نبی اکرم ﷺ پنج روز قبل از وفاتش فرمود: «إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْكُمْ خَلِيلٌ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَلَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَاتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا؛ أَلَا وَإِنْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ؛ إِنِّي أَنُهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ». [روایت مسلم]

یعنی: «من به خدا پناه می برم از اینکه کسی از شما را به عنوان دوست صمیمی انتخاب کند؛ زیرا خداوند همانگونه که ابراهیم علیهِ السلام را به عنوان خلیل (دوست ویژه) انتخاب کرد، مرا نیز به عنوان خلیل انتخاب نمود، و اگر من از میان اتمم کسی را به عنوان دوست صمیمی انتخاب می کردم، ابوبکر را بر می گزیدم. آگاه باشید که امتهای گذشته، قبرهای پیامبرانشان را مسجد قرار دادند. مواظب باشید که قبرها را مسجد قرار ندهید؛ زیرا من، شما را از این کار منع می نمایم».

دختران پیامبر اکرم ﷺ

به دنیا آمدن دختر در دوران جاهلیت، روزی سیاه و تاریک در زندگی پدر و مادر و حتی زندگی خانواده و قبیله، به شمار می رفت. تا جایی که بسیاری از آنان، دخترانشان را از ترس عار و رسوایی، زنده به گور می کردند و این کار، در نهایت وقاحت و قساوت قلب انجام می گرفت؛ طوریکه شفقت و محبت، هیچ جایگاهی نداشت. آنها این جنایت را به شکلهای مختلف مرتکب می شدند. برخی از آنان، دخترانشان را تا سن شش سالگی زنده می گذاشتند؛ آنگاه به مادرش می گفتند: او را آرایش کن و خوشبویی بزن تا او را نزد خویشاوندانش ببریم. حال آنکه از قبل، در بیابان، چاله ای حفر کرده بودند؛ سپس او را کنار آن چاله می بردند و به او می گفتند: داخل آن را نگاه کن و آنگاه او را داخل گودال می انداختند و با قساوت تمام، رویش خاک می ریختند.

رسول الله ﷺ در میان چنین جامعه ای ظهور کرد و این دین بزرگ را آورد که برای جنس زن اعم از مادر، همسر، خواهر و عمه احترام خاصی قایل است. رسول خدا ﷺ دخترانش را بسیار دوست داشت؛ چنانچه هرگاه فاطمه رضی الله عنها نزدش می آمد، برایش بلند می شد، دستش را می گرفت و می بوسید و سرجایش می نشاند و هرگاه رسول الله ﷺ نزد فاطمه رضی الله عنها می رفت، برایش بلند می شد، دستش را می گرفت و او را می بوسید و سر جایش می نشاند. [ابوداود، ترمذی و نسائی]

با وجود اینکه نبی اکرم ﷺ دخترانش را بسیار دوست داشت و احترام خاصی برای آنان قایل بود، اما در عین حال، هنگامی که سوره المسد نازل شد و عتبه و عتیبه فرزندان ابولهب، با تحریک قریش تهدید کردند که دختران رسول الله ﷺ، یعنی ام کلثوم و رقیه را طلاق می دهند، آن حضرت صلی الله علیه و آله صبر کرد و سرانجام هم دخترانش را طلاق دادند. ولی او، امر دعوت را ترک نکرد؛ بلکه در امر دین، ذره ای تزلزل به خود راه نداد.

بیاییم از عایشه رضی الله عنها بشنویم که رسول الله ﷺ چقدر دخترانش را دوست داشت؛ عایشه رضی الله عنها می گوید: روزی همسران نبی اکرم ﷺ نزد او بودند که فاطمه رضی الله عنها آمد؛ راه رفتن او، با راه رفتن رسول خدا ﷺ هیچگونه تفاوتی نداشت. هنگامی که چشم پیامبر اکرم ﷺ به فاطمه افتاد، به او خوشامد گفت و فرمود: «دخترم! خوش آمدی»؛ آنگاه او را سمت راست و یا چپ خود نشاناد. [روایت مسلم]

همچنین رسول رحمت ﷺ برای دیدن دخترانش و احوال پرسشی از آنان و حل مشکلاتشان نزد آنان، می رفت. چنانکه روزی فاطمه رضی الله عنها به خانه پیامبر اکرم ﷺ آمد تا از دشواری آسیاب کردن و تأثیر آن بر دستانش شکایت کند و درخواست خادمی نماید. اما نبی اکرم ﷺ آنجا نبود؛ لذا عایشه رضی الله عنها را در جریان گذاشت؛ هنگامی که رسول الله ﷺ آمد، عایشه، او را از آمدن فاطمه باخبر ساخت.

علی ابن ابی طالب رضی الله عنه می گوید: پیامبر اکرم ﷺ هنگامی نزد ما آمد که ما به رختخواب رفته بودیم؛ لذا خواستیم بلند شویم، ولی آن حضرت ﷺ فرمود: بلند نشوید؛ سپس آمد و میان ما نشست، طوری که من، سردی قدمهایش را بر سینه ام احساس کردم. آنگاه فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمَا عَلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لَّكُمَا مِنْ خَادِمٍ؟ إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَى فِرَاشِكُمَا أَوْ أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا، فَكَبِّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَهَذَا خَيْرٌ لَّكُمَا مِنْ خَادِمٍ». [روایت بخاری]

یعنی: «آیا شما را به انجام عملی راهنمایی نکنم که برای شما از خادمی بهتر باشد؟ هرگاه به رختخواب رفتید، سی و چهار بار الله اکبر، سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله بگویید؛ این عمل، برای شما از خادم بهتر است».

ما باید در زمینه صبر و بردباری، رسول خدا ﷺ را الگوی خویش قرار دهیم. چراکه جز فاطمه، همه پسران و دختران آن حضرت ﷺ در حیات مبارکش فوت کردند، با این حال، رسول خدا ﷺ نه به سر و صورتش زد، نه گریانش را پاره کرد، نه برای آنان نوحه خوانی نمود و نه مجلس ختم و سالگرد گرفت. پیامبر اکرم ﷺ امتش را به صبر و شکیبایی وصیت کرد و احادیثی برای آنان بیان نمود تا باعث تسلیت انسان غم زده و

مصیبت دیده گردد. چنانکه فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجِرْنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا». [روایت مسلم].

یعنی: «ما از آن خداییم و بازگشت ما به سوی اوست؛ خدایا! مرا در مقابل این مصیبت، پاداش بده و در عوض آن، چیز بهتری به من عنایت فرما». همچنین خداوند متعال، گفتن کلمه استرجاع یعنی: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را پناهگاه انسانهای غم زده و مصیبت دیده قرار داده و صبرکنندگان را از طرف خودش به اجر و ثواب مژده داده است: ﴿إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰].

یعنی: «همانا اجر و پاداش صبرکنندگان به تمام و کمال و بدون حساب به آنان داده می شود».

رفتار با همسر

در اجتماع کوچک خانواده، این همسر است که اساس و پایه آن را تشکیل می دهد و به آن آرامش می بخشد و دوستی و محبت به ارمغان می آورد.

رسول الله ﷺ فرموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ» و [سنن نسائی]

یعنی: «دنیا، سراسر متاع است و بهترین متاع دنیا، همسر نیک است». یکی از موارد خوشرفتاری رسول خدا ﷺ را در برخورد خوب با همسرانش مشاهده می کنیم. چنانکه رسول رحمت ﷺ نام ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها را ترخیم می نماید و بشارتی به او می دهد که دلها را به هیجان می آورد و می فرماید: «ای عایش! این، جبرئیل است که به تو سلام می رساند». [روایت بخاری و مسلم]

فراتر از این، پیامبر امت، آن کاملترین انسان از نظر اخلاق و بزرگترین فرد از نظر جایگاه و منزلت، در خوش اخلاقی، تواضع و فروتنی و شناخت گرایشهای عاطفی و روانی همسرش، شگفتی می آفریند و طوری با وی برخورد می کند که هر زنی، آن را می پسندد.

عایشه رضی الله عنها می گوید: «در دوران عادت ماهیانه آب می نوشیدم؛ سپس ظرف آب را به نبی اکرم ﷺ می دادم. رسول خدا ﷺ دهانش را همان جایی می گذاشت که من، دهانم را گذاشته بودم و آب می نوشید. همچنین گوشت را از استخوان با دهان می کندم و می خوردم. آنگاه رسول خدا ﷺ دهانش را همان جایی می گذاشت که من گذاشته بودم و از آن گوشت می خورد». [روایت مسلم]

آن حضرت ﷺ آنگونه نبود که منافقین می پندارند و خاورشناسان، او را متهم می کنند؛ بلکه زیباترین و آسانترین راههای معاشرت با همسر را انتخاب می کرد.

عایشه می‌گوید: «نبی اکرم ﷺ یکی از همسرانش را بوسید و بدون اینکه وضو بگیرد، برای نماز بیرون رفت». [ابوداود و ترمذی]

همچنین رسول خدا ﷺ در جاهای متعددی بطور واضح و روشن، منزلت والای زن را بیان می‌کند و ارزش و جایگاه بانوان را برای جامعه و مردم معرفی می‌نماید.

ملاحظه کنید که رسول خدا ﷺ به سؤال عمرو بن عاصؓ پاسخ می‌دهد و به او می‌آموزد که دوست داشتن همسر، باعث شرمندگی مرد درست و کامل نمی‌شود.

عمرو بن عاصؓ می‌گوید: از رسول الله ﷺ پرسیدم: محبوبترین مردم نزد تو کیست؟ فرمود: عایشه. [روایت بخاری و مسلم]

هر کس می‌خواهد طعم سعادت زناشویی را در زندگیش بچشد، در این حدیث ام المؤمنین عایشهؓ بیندیشد که به بیان نحوه رفتار رسول خدا ﷺ با او می‌پردازد؛ عایشهؓ می‌گوید: «من و رسول خدا ﷺ از یک ظرف آب، غسل می‌کردیم». [روایت بخاری]

نبی امت از هر مناسبتی استفاده می‌کرد و برای خوشحال و خوشبخت نمودن همسرش از هر امر مباح و جایزی کمک می‌گرفت.

این، یک شوخی زیبا و نکته‌ای فوق العاده مهم است که نبی اکرم ﷺ به مردم دستور می‌دهد جلو بروند تا با همسرش مسابقه دهد و باعث خوشحالی وی گردد. هر کس امروزه در این سرزمین پهناور خداوند به سیر و سیاحت بپردازد و به بزرگان و رهبران دنیا نگاه کند، بطور قطع از این رفتار نبی اکرم ﷺ تعجب خواهد کرد. او، فرمانده پیروز و برگزیده قریش بود. در یکی از روزهای فتح در حالی که مسلمانان با فتح و پیروزی باز می‌گردند و خودش، فرماندهی لشکر بزرگی را بر عهده دارد، با این حال، همچنان فروتن و متواضع است و به همسرانش مهر می‌ورزد. فرماندهی لشکر، خستگی راه و پیروزی در میدان نبرد، هیچ کدام باعث نشد تا این نکته را فراموش کند که با او زنانی هستند که نیاز به محبت و شفقت دارند؛ بلکه مشقت راه و خستگی سفر را از آنان زدود و به آنان مهر ورزید.

بخاری روایت کرده است: هنگامی که رسول خدا ﷺ از غزوه خیبر برگشت، با صفیه دختر حیی ازدواج کرد؛ چادری را اطراف شتری می‌گرفت که صفیه بر آن سوار بود و او را در حجاب قرار می‌داد و سپس کنار شتر می‌نشست و زانویش را می‌گذاشت و صفیه، پایش را بر زانوی آن حضرت ﷺ می‌نهاد تا سوار شتر شود.

این، یک صحنه بسیار مؤثر است که بر تواضع رسول خدا ﷺ دلالت دارد. بدین سان رسول خدا ﷺ که فرماندهی پیروز و فرستاده‌ای از جانب الله بود، به امتش می‌آموزد که تواضع و فروتنی در برابر همسرش برای کمک به او و خوشحال کردنش از قدر و منزلت وی نمی‌کاهد.

همچنین یکی از وصیتهای نبی اکرم ﷺ به امتش این بود که فرمود: «به زنان نیکی کنید». [روایت مسلم]

چند همسری (تعدد زوجات)

رسول الله ﷺ با یازده زن ازدواج کرد که مفتخر به لقب مادران مؤمنان شدند و هنگامی که فوت نمود، نه زن در نکاح ایشان بودند. بله! این زنان، از شرافت و کرامتی والا برخوردار شدند. تمام زنانی که رسول خدا ﷺ با آنها ازدواج نمود، بزرگسال، بیوه و ناتوان بودند. فقط عایشه صدیقه رضی الله عنها دختر بود.

آری! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عدالت و تقسیم وقت میان مادران مؤمنان نمونه بود. عایشه می گوید: هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خواست به سفر برود، میان همسرانش قرعه می انداخت و قرعه به نام هر کس که می افتاد، او را با خود می برد و در تقسیم وقت نیز یک شبانه روز را به هر یک از آنها اختصاص می داد.

یکی دیگر از نمونه های عدالت آن حضرت صلی الله علیه و آله روایت انس بن مالک رضی الله عنه است که می گوید: «نبی اکرم صلی الله علیه و آله، نه همسر داشت و چون نوبت آنان را رعایت می کرد، نه شب بعد، نوبت هر یک می شد؛ لذا همسرانش هر شب در خانه ای که نوبتش آنجا بود، جمع می شدند. در یکی از شبها که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه عایشه بود، زینب آمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستش را به سوی او دراز کرد؛ عایشه رضی الله عنها گفت: این، زینب است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستش را جمع نمود. [روایت مسلم]

باید دانست که اگر توفیق خداوند متعال، شامل حال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نمی شد، خانه نبوت چنین وضعیتی نداشت.

آری! رسول رحمت صلی الله علیه و آله را مشاهده می کنیم که در قول و عمل، سپاس پروردگارش را به جا می آورد؛ او، به دستورات خداوند عمل می کند و همسرانش را به عبادت تشویق می نماید و به آنها کمک می کند تا هرچه بهتر خدا را عبادت کنند. خداوند بلندمرتبه، می فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا ۖ لَنْ نَرْزُقَكَ ۖ وَالْعَاقِبَةُ

لِلتَّقَوَىٰ ﴿١٣٢﴾ [طه: ۱۳۲].

یعنی: «خانواده خود را به ادای نماز دستور بده و خود نیز بر اقامه آن ثابت و استوار بمان؛ ما، از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه ما، به تو روزی می‌دهیم و سرانجام (نیک) از آن (اهل تقوا و) پرهیزگاری است».

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز می‌خواند در حالی که من بر رختخوابش دراز کشیده و خوابیده بودم. اما هنگامی که می‌خواست نماز وتر بخواند، مرا بیدار می‌نمود». [روایت بخاری و مسلم]

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به شب زنده داری و خواندن نماز تهجد تشویق می‌نمود. چنانچه زن و شوهر را تشویق نمود تا برای قیام شب همکاری کنند و یکدیگر را بیدار نمایند.

ابو هریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند، رحمت کند مردی را که شب هنگام بر می‌خیزد و نماز می‌خواند و همسرش را نیز بیدار می‌کند و اگر بیدار نشد، بر صورتش آب می‌پاشد. همچنین خداوند، رحمت کند زنی را که شب برمی‌خیزد و نماز می‌خواند و شوهرش را نیز بیدار می‌کند و اگر بیدار نشد، بر صورتش آب می‌پاشد». [روایت بخاری و مسلم]

یکی از علایم مسلمان کامل و پایمند، توجه به قیافه ظاهریش می‌باشد تا بدین سان صفا و پاکی درونیش کامل گردد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قلبی پاک و بدنی تمیز داشت، خوشرو بود، مسواک را دوست داشت و به مردم دستور می‌داد تا مسواک بزنند.

آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: «اگر برای اتم دشوار نمی‌شد، به آنان دستور می‌دادم تا هنگام هر نمازی مسواک بزنند». [روایت احمد]

حذیفه رضی الله عنه می‌گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که از خواب بیدار می‌شد، مسواک می‌زد». [روایت مسلم]

شریح بن هانی می‌گوید: از عایشه رضی الله عنها پرسیدم: نخستین کار پیامبر هنگام ورود به خانه چه بود؟ گفت: مسواک زدن. [روایت احمد]

ملاحظه می کنیم که نبی اکرم ﷺ با چه آمادگی و نظافتِ خوبی، با اهل بیتش روبرو می شود! همچنین رسول خدا ﷺ هنگامی که وارد خانه می شد، می فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَحَجَّنا وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجَنا وَعَلَى رَبِّنا تَوَكَّلْنا». [روایت مسلم]

یعنی: «به نام خدا وارد شدیم و به نام خدا بیرون رفتیم و بر پروردگارمان توکل نمودیم». سپس به خانواده اش سلام می کرد.

مبارک و خجسته باد بر خانواده ات که پاک و نظیف وارد خانه می شوی و در بدو ورود به خانه سلام می کنی. لذا ای برادر مسلمانم! جزو کسانی مباش که به جای این کارها، سرزنش می کنند و بد و بی راه می گویند.

شوخی رسول خدا ﷺ

رهبری همچون نبی اکرم ﷺ لحظات زندگیش را در فکر امت و در اندیشه سپاه اسلام، فرماندهان و خانواده اش سپری می نماید و گاهی نیز به وحی مشغول است و اوقاتی را هم در عبادت بسر می برد و کارهای دیگری نیز دارد. اینها، کارهای بزرگی است که با وجود آنها، شخص نمی تواند خواسته های زندگی را برآورده سازد و به زندگی رونق و طراوت ببخشد. اما نبی اکرم ﷺ همه حقوق را ادا می نمود و در ادای هیچ حقی به خاطر مشغولیت به حقی دیگر کوتاهی نمی کرد. آن حضرت ﷺ با وجود کارها و مسؤولیتهای زیادی که داشت، باز هم جایگاه کودکان را در قلبش حفظ کرده بود. وی، سعی می نمود از طریق شوخی، به آنان نزدیک شود و باعث خوشحالی آنان گردد؛ چنانکه گاهی با سایر مردم نیز شوخی می کرد. ابو هریره رضی الله عنه می گوید: صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! شما با ما شوخی می کنید؟ فرمود: «آری، ولی من جز حق، سخن دیگری بر زبان نمی آورم». [روایت احمد]

یکی از شوخیهایش، از انس بن مالک رضی الله عنه نقل شده که نبی اکرم ﷺ خطاب به وی فرمود: «ای کسی که دو گوش داری!»

انس رضی الله عنه می گوید: ام سلیم، پسری به نام ابوعمیر داشت. هرگاه نبی اکرم ﷺ نزد آنها می رفت، با ابوعمیر شوخی می کرد. روزی آن حضرت ﷺ به خانه آنان رفت و با ابوعمیر شوخی کرد. ولی ابوعمیر را غمگین یافت؛ لذا فرمود: «چه شده که ابوعمیر را غمگین می بینم؟» گفتند: ای رسول خدا! پرنده اش که با آن بازی می کرد، مرده است. پیامبر اکرم ﷺ او را صدا کرد و فرمود: «يَا أَبَا عُمَيْرٍ مَا فَعَلَ النُّعَيْرُ؟» یعنی: «ای ابوعمیر! نعیر (پرنده کوچکت) چه شد؟» [روایت بخاری و مسلم]

رسول رحمت ﷺ با کسانی که سن و سالی از آنان گذشته بود، طوری دیگر شوخی می کرد؛ چنانچه انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: مردی بادیه نشین به نام زاهر بن حرام وجود

داشت که بدقیافه بود؛ اما نبی اکرم ﷺ وی را دوست داشت. روزی نبی اکرم ﷺ نزد زاهر رفت؛ زاهر، مشغول فروختن کالاهایش بود. آن حضرت ﷺ او را از پشت سر طوری در بغل گرفت که او، آن حضرت ﷺ را ندید. آن مرد گفت: مرا رها کن. کیستی؟ آنگاه چهره اش را برگرداند و نبی اکرم ﷺ را شناخت و چون ایشان را شناخت، تلاش نمود تا هرچه بیشتر پشتش را به سینه مبارک رسول خدا ﷺ بچسباند. نبی اکرم ﷺ می فرمود: «چه کسی این برده را می خرد؟» زاهر گفت: ای رسول خدا! من، بازاری نخواهم داشت. نبی اکرم ﷺ فرمود: «ولی تو، نزد خداوند ارزش زیادی داری». [روایت احمد]

این است اخلاق خوب و خصلتهای زیبای رسول خدا ﷺ.

نبی اکرم ﷺ با آنکه با خانواده و خویشاوندانش بسیار گشاده روی بود، اما خندیدنش، حد و اندازه ای داشت؛ لذا فقط تبسم می نمود. چنانکه عایشه رضی الله عنها می گوید: «هرگز رسول خدا ﷺ را ندیدم که بطور کامل بخندد، طوری که سقف دهانش دیده شود». [روایت بخاری و مسلم]

رسول خدا ﷺ با آنکه چهره ای باز و برخورد خوبی داشت، اما اگر فردی، مرتکب عمل حرامی می شد، چهره مبارک آن حضرت ﷺ تغییر می کرد. عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول خدا ﷺ از سفری آمد؛ چشمش به پرده ای افتاد که رویش تصویر (موجودات جاندار) بود و من، آن را به دروازه خانه آویزان کرده بودم. چهره رسول خدا ﷺ به محض دیدن آن پرده دگرگون گردید و آن را پاره کرد و فرمود: ای عایشه! روز قیامت نزد خداوند، بیش از همه، کسانی عذاب می شوند که مخلوقات خداوند را شبیه سازی کنند». [روایت بخاری و مسلم]

حدیث فوق، دال بر این است که نگهداری تصویر در خانه، اگر آشکار باشد، حرام است و حرامتر از آن، تصاویر و مجسمه هایی هستند که بر دیوارها آویزان می گردند و یا در گوشه و کنار خانه گذاشته می شوند؛ علاوه بر اینکه این کار، باعث گنهکار شدن انسان می شود، از ورود فرشتگان رحمت به داخل خانه نیز جلوگیری می کند.

خواب نبی اکرم ﷺ

ابی بن کعب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما خواست به رختخوابش برود، گوشه ازارش را بگیرد و خدا را یاد کند و رختخوابش را با آن جارو نماید. زیرا او نمی داند که بعد از وی چه چیزی به رختخوابش آمده است. و هنگامی که خواست بخوابد، به پهلوی راستش بخوابد و بگوید:

«بِاسْمِكَ وَضَعْتُ جَنْبِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا، وَإِنْ أَرْسَلَتْهَا فَأَحْفَظُهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

یعنی: «ای پروردگار من! پهلویم را به نام تو بر زمین گذاشتم و آن را به کمک تو بلند می کنم. اگر در حالت خواب جانم را گرفتی، مغفرتش کن و اگر زنده گذاشتی، با همان چیزی که بندگان نیکوکار را حفاظت می کنی، آن را نیز حفاظت کن». [روایت مسلم]

همچنین رهنمود نبی اکرم ﷺ به هر مرد و زن مسلمان، این بود که می فرمود: «هرگاه خواستی به رختخواب بروی، نخست مانند وضوی نماز، وضو بگیر و سپس بر پهلوی راستت بخواب». [روایت بخاری و مسلم]

عایشه رضی الله عنها می گوید: هر شب که رسول الله ﷺ به رختخوابش می رفت، دو کف دستش را کنار هم قرار می داد و در آنها می دمید و سوره های «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را می خواند؛ سپس با کف دستانش تا آنجا که می توانست و دستش می رسید، بدنش را مسح می کرد.

قابل یادآوری است که از سر و صورت و قسمت جلوی بدنش شروع می کرد و این کار را سه بار تکرار می نمود. [روایت بخاری]

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: هنگامی که رسول خدا ﷺ به رختخوابش می رفت، چنین می گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَآوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ». [روایت مسلم]

یعنی: «تمام حمد و ستایشها از آنِ خدایی است که به ما آب و غذا داد و ما را کفایت کرد و به ما جای داد؛ چه بسا افرادی که کارساز و جادهنده ای ندارند». ابوقتاده رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ اگر می خواست در شب، استراحت نماید و بخوابد، به پهلوی راستش می خوابید و اگر قصد داشت اندکی قبل از صبح، استراحت نماید، ذراعش را نصب می کرد و سرش را بر کف دستش می گذاشت. [مسلم]

بله، برادر عزیزم! با این همه نعمتی که خداوند، به ما ارزانی داشته است، لحظاتی درباره رختخواب سرور و خاتم انبیا و بهترین مخلوق خداوند و برترین کسی که روی زمین قدم گذاشته، بیندیش.

عایشه رضی الله عنها می گوید: رختخوابی که رسول خدا ﷺ روی آن می خوابید، از پوستی بود که داخل آن با برگ درخت خرما پر شده بود. [مسلم]

عمر بن خطاب رضی الله عنه و چند تن دیگر از صحابه رضی الله عنهم خدمت رسول الله ﷺ شرفیاب شدند؛ آن حضرت ﷺ روی تختی که با برگ درخت خرما بافته شده بود، دراز کشیده بود. رسول خدا ﷺ مقداری از جایش تکان خورد. عمر رضی الله عنه متوجه شد که جز حصیر چیز دیگری روی تخت نیست و آثار حصیر را بر پهلوی آن حضرت ﷺ مشاهده کرد؛ لذا گریه کرد. رسول اکرم ﷺ فرمود: «ای عمر! چرا گریه می کنی؟» گفت: به خدا سوگند، من، می دانم که تو نزد خداوند از کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) عزیزتری؛ ولی آنها در ناز و نعمت بسر می برند و تو، چنین وضعیتی داری.. نبی اکرم ﷺ فرمود: «آیا راضی نیستی که دنیا، از آنِ آنان باشد و آخرت به ما تعلق بگیرد؟» عمر رضی الله عنه گفت: بلی؛ فرمود: «این چنین است». [روایت امام احمد]

شب زنده داری

مدینه را شب فرا گرفت و سیاهی شب، بر آن سایه انداخت؛ اما رسول خدا ﷺ شب را با نماز، یاد خدا و شب زنده داری، نورانی می گرداند. او، با پروردگار زمین و آسمان، همان ذاتی که اختیار تمام هستی در دست اوست، مناجات می نماید و دستور آفریننده اش را لبیک می گوید، آنجا که می فرماید: ﴿يَتَأْتِيَ الْمُزْمَلُ ﴿١﴾ قُمْ أَلَيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ نَصَفَهُ أَوْ أَنْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾﴾ [المزمل: ۱-۴] یعنی: «ای جامه به خود پیچیده! شب را جز اندکی از آن، بیدار بمان یا کمی از نیمه بکاه یا کمی بر نیمه آن بیفزای و قرآن را خوب با تلفظ صحیح حروف و تدبیر در معانی آن بخوان».

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ به اندازه ای شبها به نماز می ایستاد که قدمهایش ورم می کرد. مردم می گفتند: ای رسول خدا! با آنکه گناهان گذشته و آینده ات بخشیده شده اند، باز هم چنین می کنی؟ فرمود: «آیا بنده ای سپاسگزار نباشم؟» [ابن ماجه] اسود بن یزید رضی الله عنه می گوید: از عایشه رضی الله عنها درباره کیفیت نماز رسول خدا ﷺ پرسیدم؛ گفت: ایشان، اول شب می خوابید، سپس بیدار می شد و نماز می خواند و اگر نیازی به همسرش داشت، با وی همبستر می شد و هنگامی که صدای اذان را می شنید، به سرعت بر می خاست؛ اگر جنب بود، غسل می کرد؛ در غیر این صورت، وضو می گرفت و برای نماز می رفت. [بخاری]

باید دانست که نماز شب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اندازه ای طولانی است که از یکسو انسان را به شگفتی و از سوی دیگر باعث میشود که ایشان و نمازش را الگو قرار دهیم.

حذیفه بن یمان رضی الله عنه می گوید: شبی با نبی اکرم صلی الله علیه و آله به نماز ایستادم. آن حضرت صلی الله علیه و آله شروع به خواندن سوره بقره نمود؛ با خود گفتم: بعد از خواندن صد آیه، رکوع خواهد کرد، اما

ادامه داد. گفتم: سوره بقره را در یک رکعت می‌خواند، اما باز هم ادامه داد و آل عمران را شروع کرد. گفتم: با تمام شدن آن، رکوع می‌نماید؛ اما ایشان خواندن سوره نساء را شروع کرد. بدون عجله تلاوت می‌فرمود. هرگاه آیه‌ای می‌خواند که در آن تسبیح وجود داشت، تسبیح می‌گفت. و اگر آیه‌ای می‌خواند که در آن، سؤال و طلب شده بود، طلب می‌کرد و اگر از پناه خواستن سخن به میان آمده بود، پناه می‌خواست؛ سپس رکوع کرد و شروع به گفتن **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ** نمود. اندازه رکوعش نیز به ایستادنش بسیار نزدیک بود. آنگاه **سَمِعَ اللَّهُ لَنْ حَمْدَهُ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ** گفت و خیلی طولانی، تقریباً به اندازه رکوعش ایستاد. سپس سجده نمود و **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى** گفت. اندازه سجده‌اش نیز خیلی نزدیک به اندازه قیامش بود. [مسلم]

بعد از نماز صبح

با طلوع فجر و پس از آرامش شب مدینه، پس از اینکه نماز صبح در مسجد با جماعت خوانده می‌شد، پیامبر اکرم ﷺ تا طلوع آفتاب به یاد خدا می‌نشست و سپس دو رکعت نماز می‌خواند.

جابر بن سمره رضی الله عنه می‌گوید: هنگامی که نبی اکرم ﷺ نماز صبح را می‌خواند، سر جایش می‌نشست تا اینکه خورشید، خوب طلوع کند. [مسلم]
باید دانست که پیامبر خدا ﷺ مردم را به انجام این سنت بزرگ تشویق کرده و اجر و ثواب آن را یاد آوری نموده است.

انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس، نماز صبح را با جماعت بخواند، سپس تا طلوع آفتاب بنشیند، خدا را ذکر کند و آنگاه دو رکعت نماز بخواند، به او به اندازه پاداش حج و عمره ای کامل، اجر می‌رسد. [ترمذی]

نماز چاشت

اکنون خورشید، بالا آمده و گرمای آن شدت گرفته است و پرتو خورشید، چهره ها را می سوزاند. هنگام چاشت، فرا رسیده و وقت کار و تلاش است. رسول خدا ﷺ با وجود مسئولیتهای رسالت و مشغولیتهایی از قبیل: ملاقات با وفدها و نمایندگان قبایل مختلف، آموزش صحابه و ادای حقوق خانواده، باز هم به عبادت خداوند ﷻ می پردازد. معاذہ ﷺ می گوید: به عایشه گفتم: آیا نبی اکرم ﷺ نماز چاشت می خواند؟ گفت: بلی؛ چهار رکعت می خواند و هر چه که خواست خدا بود، بر آنها می افزود. [مسلم]

همچنین نبی اکرم ﷺ به خواندن نماز چاشت توصیه فرمود؛ ابوهریره ﷺ می گوید: محبوبم مرا به روزه گرفتن سه روز از هر ماه، خواندن دو رکعت نماز چاشت و خواندن وتر قبل از خوابیدن، توصیه فرمود. [بخاری و مسلم]

خواندن نمازهای نفل در خانه

خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خانه‌ای است که ایمان در آن موج می‌زند و مالا مال از عبادت و یاد خدا است. نبی اکرم صلی الله علیه و آله به ما توصیه می‌نماید که خانه‌های ما اینگونه باشد. چنانکه می‌فرماید: «بخشی از نمازهایتان را در خانه هایتان بخوانید و آنها (خانه هایتان) را به قبرستان تبدیل نکنید». [بخاری]

ابن قیم رحمته الله می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله، عموم سنتها و نوافل غیر ذوات الاسباب بویژه سنتهای نماز مغرب را در خانه‌اش می‌خواند. چنانچه روایت نشده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سنتهای مغرب را در مسجد بخواند. قابل یادآوری است که خواندن نمازهای نفل در خانه، فوایدی دارد که برخی از آنها عبارتند از: پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، آموزش کیفیت نماز به زنان و کودکان، رانده شدن شیاطین با یاد خدا و تلاوت قرآن؛ همچنین خواندن نوافل در خانه انسان را به اخلاص، نزدیکتر، و از ریا دور می‌نماید.

گریه کردن نبی اکرم ﷺ

مردان و زنان زیادی گریه می کنند، اما چگونه و برای چه؟ پیامبر اکرم ﷺ اگر دنیا را می خواست در اختیارش قرار می گرفت. همچنین خودش را در بالاترین مرتبه بهشت می دید، با وجود این، می گریست.

آری! پیامبر خدا ﷺ در عبادت‌هایش می گریست، هنگام مناجات با پروردگارش در نماز، و هنگام شنیدن قرآن کریم، گریه می کرد. و این خود، دال بر این است که پیامبر خدا ﷺ از رقت قلب بالایی برخوردار بود. باطنی پاک داشت و عظمت و بزرگی الله ﷻ را خوب می دانست و خشیت الهی در سینه‌اش ریشه دوانده بود. عبدالله بن شخیر رضی الله عنه به نقل از پدرش می گوید: نزد رسول خدا ﷺ رفتم و دیدم که ایشان نماز می خواند و گریه می کند و از سینه‌اش صدایی مانند صدای جوشیدن آب در دیگ به گوش می رسد. [روایت ابوداود]

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ به من فرمود: «برایم قرآن بخوان». گفتم: ای رسول خدا! آیا برای شما قرآن بخوانم، در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟! فرمود: «من دوست دارم که قرآن را از فرد دیگری بشنوم»؛ سرانجام، سوره نساء را خواندم تا اینکه به این آیه رسیدم: ﴿وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۴۱]. یعنی: «و تو را به عنوان گواه بر اینها می آوریم».

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در ادامه می گوید: دیدم که از چشمان رسول الله ﷺ اشک جاری است. [بخاری]

به موهای سفیدی که در فرق سر رسول خدا ﷺ وجود داشت و همچنین چیزی حدود هجده تار موی سفیدی که در محاسن مبارک می درخشید، لحظاتی فکر کن و گوش دل بسپار تا علت سفید شدن این موها را از زبان مبارکش بشنوی.

روزی ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! پیر شدی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مرا سوره‌های هود، واقعه، مرسلات، عم يتساءلون وإذا الشمس كورت پیر کردند». [روایت ترمذی]

تواضع نبی اکرم ﷺ

اخلاق رسول خدا ﷺ از اخلاق همه مردم بهتر و کاملتر بود. آن حضرت ﷺ نمونه عملی قرآن کریم بود؛ چنانکه عایشه رضی الله عنها می گوید: اخلاق ایشان، قرآن بود. [مسلم]

همچنین شخص رسول خدا ﷺ می فرماید: «همانا من مبعوث شده ام تا ارزشهای اخلاقی را کامل کنم». [روایت احمد]

یکی از دلایل تواضع نبی اکرم ﷺ این است که ایشان، تعریف و تمجید و ستایش را دوست نداشت.

عمر بن خطاب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «در مدح و ستایش من افراط نکنید، آنگونه که نصاری در مورد عیسی بن مریم افراط کردند؛ چراکه من، بنده‌ای هستم؛ پس بگویید: بنده خدا و فرستاده او». [روایت بخاری]

انس رضی الله عنه می گوید: تعدادی از مردم گفتند: ای رسول خدا! تو، بهترین ما، فرزند بهترین ما، سرور ما و فرزند سرور ما هستی.. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ای مردم! گفتن این سخنان اشکالی ندارد، ولی نگاه کنید که شیطان، شما را به دنبال خود نکشانند؛ من، محمد، بنده خدا و فرستاده او هستم. دوست ندارم برایم منزلتی بالاتر از منزلتی که خداوند عزوجل برایم قایل شده است، قایل شوید. [روایت نسائی]

ملاحظه می کنیم پیامبری که بهترین انسان روی زمین بشمار می رود، همیشه به سوی پروردگارش توبه و انابت می نماید و با غرور و تکبر رابطه‌ای ندارد؛ بلکه سرآمد تواضع و فروتنی و انکسار در برابر پروردگارش بحساب می آید.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: نزد صحابه هیچکس از رسول خدا ﷺ محبوبتر نبود؛ با این حال، هرگاه صحابه رسول خدا ﷺ را می دیدند، بلند نمی شدند؛ زیرا می دانستند که آن حضرت ﷺ این کار را نمی پسندد. [روایت احمد]

اینک نگاهی به تواضع شگفت انگیز و اخلاق خوب و بی نظیر پیامبر ﷺ بینداز که در برابر زنی فقیر و مسکین چگونه تواضع و فروتنی می نماید و وقت گرانیها و پرمشغله اش را در اختیارش قرار می دهد.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: زنی نزد نبی اکرم ﷺ آمد و گفت: من، با تو کاری دارم. فرمود: «سر هر راهی از راههای مدینه که خواستی، بنشین؛ من با تو می نشینم (و کارت را انجام می دهم)». [روایت ابوداود]

باید دانست که نبی اکرم ﷺ در رأس انسانهای متواضع قرار داشت و سرآمد آنها بود؛ ابوهریره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «اگر مرا برای صرف ساعد یا پاچه (گوسفندی) دعوت کنند، خواهم پذیرفت؛ همچنین اگر به من ساعد یا پاچه ای هدیه داده شود، می پذیرم». [روایت بخاری]

از سوی دیگر، انسانهای متکبر باید این سخنان رسول خدا ﷺ را آویزه گوش خویش سازند تا همیشه مانعی برای تکبر و برتری طلبی آنان باشد.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «هر کس به اندازه یک ذره در قلبش تکبر داشته باشد، وارد بهشت نمی شود». [روایت مسلم]

قابل یادآوری است که تکبر، یکی از راههای جهنم است؛ اگر چه به اندازه یک ذره باشد.

اکنون شما درباره کیفر کسی فکر کنید که با تکبر راه می رود و ملاحظه کنید که چگونه خداوند عز و جل از او ناخشنود و خشمگین می شود و عذاب دردناکش را بر او نازل می فرماید.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «روزی، یک مرد که سرش را شانه زده و لباسی مورد پسند پوشیده بود، قدم می زد و با تکبر راه می رفت؛ ناگهان خداوند، او را در زمین فرو برد. لذا او تا روز قیامت در زمین فرو خواهد رفت». [روایت بخاری و مسلم]

خدمتگزار نبی اکرم ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در رفتارش با خدمتگزاران، دین، تقوا و اعمالشان را معیار قرار داد، نه شغل و کارشان را. آن حضرت ﷺ در مورد خدمتگزاران و کارگران فرمود: «آنان، برادران شما هستند که خداوند، آنها را زیر دست شما قرار داده است؛ لذا غذایی را که خود شما می‌خورید، به آنها نیز بدهید و لباسی را که خود می‌پوشید، به آنها نیز بپوشانید. همچنین آنان را مکلف به کاری نکنید که توان انجام آن را ندارند و اگر آنها را مکلف ساختید، کمک شان کنید». [روایت مسلم]

بعد از این رهنمودها، اندکی درباره خدمتگزاری فکر کن که از آقایش سخنی شگفت انگیز و شهادتی زیبا و تمجیدی گهربار روایت می‌کند!

آیا تا کنون شنیده‌اید که خدمتگزاری در مورد آقایش سخنی بر زبان بیاورد که خدمتگزار رسول خدا ﷺ درباره آن حضرت ﷺ بر زبان آورده است؟

انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: ده سال در خدمت رسول الله ﷺ بودم. هرگز به من اُف نگفت و هرگز به خاطر کاری که انجام دادم، به من نگفت: چرا انجام دادی و همچنین به خاطر کاری که انجام ندادم، به من نگفت چرا انجام ندادی؟ [روایت مسلم]

ملاحظه می‌فرمایید ده سال کامل؛ چند روز و چند ماه نیست. بلکه یک عمر طولانی است که در آن حالت‌های مختلفی از قبیل خوشحالی، اندوه، خشم و غضب، حالت‌های مختلف روحی و روانی، نگرانی و نیز فقر و توانگری وجود دارد. با وجود همه این حالات، آن حضرت ﷺ که پدر و مادرم فدایش باد، یک بار هم او را سرزنش نکرد و بر سرش فریاد نکشید؛ بلکه به او پاداش می‌دهد، دلش را به دست می‌آورد، نیاز او و خانواده‌اش را برآورده می‌سازد و برای آنها دعای خیر می‌نماید.

انس رضی الله عنه می گوید: مادرم گفت: ای رسول خدا! این خدمتگزار توسست؛ برایش نزد خداوند دعا کن. فرمود: «خدایا! به مال و فرزندانیش بیفزای و در آنچه به او ارزانی داشته ای، برکت عنایت کن». [روایت بخاری]

همچنین با وجود اینکه آن حضرت ﷺ از شجاعت بسیار بالایی برخوردار بود، اما هرگز به کسی توهین نکرد و کسی را به ناحق، کتک نزد و با افرادی که تحت سرپرستیش قرار داشتند، از جمله: همسران و خدمتگزارانش، با خشونت رفتار نکرد. عایشه رضی الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ هرگز کسی را با دست خودش، کتک نزد، مگر اینکه در راه خدا جهاد نماید (که فقط در این حال، کتک می زد)؛ همچنین آن حضرت ﷺ هرگز خدمتگزار و زنی را کتک نزد. [روایت مسلم]

ام المؤمنین رضی الله عنها گواهی اش را برای بهترین انسان روی زمین تکرار می کند و خبر حُسن رفتار و برخورد خوب ایشان در میان کاروانها نیز بر سر زبانهاست؛ تا جایی که کفار قریش نیز برایش گواهی می دهند.

عایشه رضی الله عنها می گوید: تا زمانی که یکی از احکام خدا زیر پا گذاشته نمی شد، هرگز ندیدم که رسول خدا ﷺ به خاطر ستمی که به خودش شده بود، انتقام بگیرد. اما اگر یکی از احکام الهی زیر پا گذاشته می شد، بیش از همه خشمگین می گشت؛ همچنین اگر در میان دو چیز به او حق انتخاب داده می شد، آسانترین آنها را انتخاب می کرد. البته اگر گناه نبود. [روایت بخاری]

نبی اکرم ﷺ مردم را با آواز رسا و آشکارا، به نرمی و بردباری دعوت می داد و می فرمود: «همانا خداوند، نرمی را در تمام کارها دوست دارد». [روایت بخاری و مسلم]

هدیه و مهمان نوازی

بشر، یک سری نیازهای عاطفی و خواسته‌های درونی دارد که جامعه، خانواده و خانه، همیشه به آنها نیازمند است. یکی از این امور که دلها را به یکدیگر نزدیک می‌نماید و کینه‌ها را ذوب می‌کند، هدیه است.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله هدیه را می‌پذیرفت و به هدیه کننده، در عوض آن، پاداش می‌داد. [روایت بخاری]

باید دانست که هدیه دادن و نیز تشکر کردن از کسی که هدیه می‌دهد، دلیل سخای قلب و پاکی اوست. همچنین قابل یادآوری است که سخاوت، یکی از ویژگیهای اخلاقی پیامبران به شمار می‌رود و پیامبر ما در این میدان از دیگران، سبقت گرفته است. مگر نه اینکه فرموده است: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مهمانش را گرامی بدارد. جایزه اش یک روز است و مهمانش سه روز؛ و بعد از آن، صدقه محسوب می‌شود و برای مهمان هم جایز نیست که به اندازه‌ای نزد میزبان بماند که او را به تنگ آورد». [روایت بخاری]

سوگند به خدا که کره زمین، حجاز و شبه جزیره عربستان، بلکه تمام دنیا، اخلاق و صفاتی بالاتر از اخلاق نبی اکرم صلی الله علیه و آله به خود ندیده‌اند.

اینک چشمانت را با مشاهده یکی از حرکات نبی اکرم صلی الله علیه و آله - که پدر و مادرم فدایش باد - سرمه کن؛ سهل بن سعد رضی الله عنه می‌گوید: یک زن، پارچه‌ای خدمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله آورد و گفت: این را با دستان خود بافته‌ام تا به تو هدیه دهم. رسول خدا صلی الله علیه و آله که به آن نیاز داشت، آن را برداشت؛ سپس در حالی که آن را به عنوان ازار (شلوار) پوشیده بود، نزد ما آمد. شخصی گفت: چقدر زیبا است! آن را به من هدیه بده. فرمود: خوب است! آنگاه نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مجلس نشست، اما پس از بازگشت (به خانه) آن را پیچید و برای آن مرد فرستاد. مردم به او گفتند: کار خوبی نکردی! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را پوشیده بود و به

آن نیاز داشت و با علم به اینکه رسول خدا ﷺ درخواست هیچ سائلی را رد نمی‌کند، باز هم آن را درخواست نمودی! آن مرد گفت: به خدا سوگند که آن را برای پوشیدن طلب نکردم. بلکه از آن جهت طلب نمودم که کفنم باشد.

سهل رضی الله عنه می‌گوید: سرانجام آن مرد در همان پارچه، کفن گردید. [روایت بخاری]
آری! از اخلاق کسی که خداوند او را برگزیده، تحت نظارت خویش به تربیت او پرداخته و به عنوان الگو برای مردم معرفی کرده است، تعجب نکنید.

رسول خدا ﷺ در زمینه سخاوت، شگفتی می‌آفریند. حکیم بن حزام رضی الله عنه می‌گوید: از رسول خدا ﷺ (چیزی) طلب کردم؛ به من عنایت فرمود؛ دوباره طلب کردم، باز هم عنایت فرمود؛ برای بار سوم طلب کردم؛ این بار نیز عنایت کرد و فرمود: «ای حکیم! این مال، سرسبز و شیرین (خوشایند) است؛ هر کس با سخاوت نفس آن را بگیرد، برایش در آن برکت عنایت می‌شود و هر کس با زور و طمع بگیرد، برایش در آن، برکت عنایت نمی‌شود و مانند کسی می‌گردد که می‌خورد و سیر نمی‌شود؛ باید بدانید که دست‌دهنده، از دست گیرنده بهتر است». [روایت بخاری و مسلم]

جابر رضی الله عنه می‌گوید: هرگز چیزی از رسول خدا ﷺ در خواست نکردند که بگوید: نه. [روایت بخاری]

رسول خدا ﷺ با این همه سخاوت و بخشش مالی، از نظر اخلاقی و برخورد خوب با مردم و محبت صادقانه با دیگران، بی‌نظیر بود.

همواره تبسم بر لبانش نشسته بود و با تمام همشینانش تبسم می‌فرمود. از اینرو هر یک از یارانش فکر می‌کرد که او، محبوبترین فرد در قلب پیامبر صلی الله علیه و آله است.

جریر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: هیچکس را ندیدم که بیشتر از رسول خدا ﷺ تبسم نماید. [روایت ترمذی]

انس بن مالک، خادم رسول الله ﷺ صفات بزرگی برای آن حضرت صلی الله علیه و آله بیان نموده است که نمی‌توان برخی از آنها را در یک فرد و یا همه آنها را در مجموعه‌ای از افراد سراغ داشت. او می‌گوید: رسول خدا ﷺ از همه مردم مهربانتر بود؛ هرگاه فردی از ایشان

چیزی می‌پرسید، به سخنان آن شخص گوش فرا می‌داد و تا هنگامی که آن شخص، بر نمی‌گشت و نمی‌رفت، آن حضرت ﷺ با او می‌ماند. همچنین هر کس، دست مبارکش را می‌گرفت، دستش را در اختیارش می‌گذاشت. و تا زمانی که خود شخص، دستش را بیرون نمی‌کشید، آن حضرت ﷺ دست مبارکش را از دست او بیرون نمی‌کشید. [روایت ابونعیم در الدلائل]

با این همه مهمان نوازی و مهربانی و سخاوت، در عین حال، هنگام نیاز، شفقت به امت را فراموش نمی‌کرد؛ از اینرو ملاحظه می‌کنیم که هنگام دیدن منکر، نهی از منکر می‌کرد و منکر را نمی‌پذیرفت.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: رسول خدا ﷺ یک انگشتر طلا در دست شخصی دید، آن را از دستش بیرون آورد و انداخت و فرمود: «آیا یکی از شما اخگری از آتش را قصد می‌کند و آن را در دستش می‌گذارد؟» [روایت مسلم]

شفقت و مهرورزی رسول خدا ﷺ به کودکان

انسانهای سنگدل، شفقت را نمی‌شناسند و مهر و عاطفه در دلهایشان جایی ندارد. آنها، مانند صخره‌اند؛ در دادن و گرفتن، سخت‌اند و از ابراز احساسات و عواطف انسانی، بخل می‌ورزند.

اما کسی که خداوند به او قلبی مهربان عنایت کرده، رحمت، سراسر وجودش را فرا گرفته و این عاطفه انسانی است که او را به حرکت در می‌آورد.

انس ﷺ می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرزندش ابراهیم را برداشت و او را بوسید و بویید. [روایت بخاری]

باید دانست که این شفقت و مهرورزی رسول الله ﷺ ویژه خویشاوندانش نبود؛ بلکه شامل عموم مسلمین نیز می‌شد.

اسماء دختر عمیس همسر جعفر ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ وارد خانه من شد و فرزندان جعفر ﷺ را صدا کرد، پس دیدم در حالی که اشکهایش سرازیر است، آنها را می‌بویید. گفتم: ای رسول خدا! آیا از جعفر به تو خبری رسیده است؟ «فرمود: بله؛ امروز کشته شد».

اسماء ﷺ می‌گوید: ما با گریه، بلند شدیم؛ سپس آن حضرت ﷺ برگشت و فرمود: «برای خانواده جعفر غذا درست کنید؛ زیرا آنها به این حادثه مشغولند». [روایت ابن سعد، ترمذی و ابن ماجه]

همچنین روزی که نوه رسول الله ﷺ فوت کرد، اشک از چشمان مبارک آن حضرت ﷺ جاری شد. سعد بن عبادہ ﷺ گفت: ای رسول خدا! این چیست؟ فرمود: «این رحمتی است که خداوند آن را در دل بندگان نهاده است و همانا خداوند بر بندگان که رحم و شفقت داشته باشند، رحم می‌کند». [روایت بخاری]

همچنین هنگامی که فرزندش ابراهیم فوت نمود، اشک از چشمان آن حضرت ﷺ سرازیر شد؛ عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! شما هم گریه می کنید؟! فرمود: «ای ابن عوف! این، نشانه مهربانی است». و همچنانکه اشک می ریخت، فرمود: «چشمها، اشک می ریزد و دل اندوهگین است، ولی سخنی که موجب نارضایتی خدا شود، به زبان نمی آوریم و ما به خاطر جدایی تو ای ابراهیم! غمگین هستیم». [روایت بخاری]

اینک که با گوشه‌ای از اخلاق پیامبر بزرگ اسلام ﷺ بویژه شفقت و مهربانیش با کودکان آشنا شدیم، شایسته است که ایشان را الگو قرار دهیم. بخصوص که ما، در زمانی زندگی می کنیم که احساس محبت نسبت به کودکان کم شده است و از آن احترامی که باید برخوردار باشند، برخوردار نیستند. باید بدانیم که آنها، پدران و مادران فردا و مردان و زنان آینده امت اسلامی هستند.

متأسفانه نادانی، تکبر، کم فکری و کوتاه نظری، ما را به جایی رسانده است که برخورد صحیح و درستی با کودکان و نوجوانان نداریم. لذا نمی توانیم به دلهایشان راه پیدا کنیم.

ملاحظه می کنیم که چگونه نبی اکرم ﷺ با اخلاق و رفتارش به دلها راه پیدا می کند و طوری برخورد می نماید که کودکان نیز او را دوست دارند، به او احترام می گذارند و جایگاهش را می دانند. آن حضرت ﷺ برای نوجوانان ارزش بسیار بالایی قایل بود.

هرگاه انس رضی الله عنه این صحابی بزرگوار رسول الله ﷺ از کنار کودکان می گذشت، به آنان سلام می کرد و می گفت: نبی اکرم ﷺ این کار را انجام می داد. [روایت بخاری و مسلم]

شما می دانید که کودکان، مشکلات خاص خودشان را دارند و با حرکات و بازی زیاد، باعث خستگی انسان می شوند، اما رسول خدا ﷺ خشمگین نمی شد و آنان را سرزنش نمی کرد؛ بلکه با آنها به نرمی برخورد می کرد و آرامش خویش را حفظ می نمود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: مردم، بچه هایشان را نزد نبی اکرم ﷺ می آوردند و آن حضرت ﷺ برای آنان دعای خیر می فرمود. یک روز کودکی را آوردند و او، بر لباس

پیامبر خدا ﷺ ادرار کرد. آن حضرت ﷺ مقداری آب بر روی لباسش ریخت، بدون آنکه آن را بشوید. [روایت بخاری]

خواننده گرامی! آیا آن لحظاتی که به نشستن در خانه نبی اکرم ﷺ مشرف می شوی، به فکر خطور نمی کنی که با فرزندان بازی و شوخی کنی و خنده ها و سخنان زیبایشان را بشنوی؟ زیرا پیامبر این امت که پدر و مادرم فدایش باد، همه این کارها را انجام می داد.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ زبانش را برای حسن بن علی رضی الله عنه بیرون می آورد و او، با دیدن زبان آن حضرت ﷺ خوشحال می شد. [سلسلة الأحادیث الصحيحة، شماره ۷۰].

انس رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ با زینب دختر ام سلمه رضی الله عنها شوخی می کرد و به او می گفت: ای زوینب! ای زوینب! و چندین بار این سخنش را تکرار می کرد. [الصحيحة (۲۱۴۱)؛ صحيح الجامع: ۵۰۲۵]

آری! شفقت و مهربانی پیامبر اکرم ﷺ شامل حال کودکان می شد؛ حتی آن هنگامی که در عبادتی بزرگ بسر می برد. رسول خدا ﷺ در حال نماز، نوه اش امامه را بر دوش داشت؛ هنگامی که بر می خاست، او را بر می داشت و هنگامی که می خواست سجده کند، او را بر زمین می گذاشت. [روایت بخاری و مسلم]

قابل یاد آوری است که امامه، دختر زینب بنت رسول الله ﷺ است و پدرش، ابوالعاص بن ربیع می باشد.

محمود بن ربیع رضی الله عنه می گوید: خوب به یاد دارم زمانی را که پنج ساله بودم و رسول خدا ﷺ اندکی آب از دلوی برداشت و پس از مضمضه آنها را بر چهره ام پاشید. [روایت بخاری و مسلم]

همچنین باید دانست که نبی اکرم ﷺ فقط بزرگسالان را آموزش نمی داد؛ بلکه آموزش وی، شامل کودکان و بزرگسالان بود.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: روزی پشت سر نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر مرکب سوار بودم که فرمود: «پسرم! چند کلمه به تو می آموزم: (دین) خدا را حفظ کن، خداوند تو را حفاظت خواهد کرد؛ (دین) خدا را حفاظت کن، خداوند را جلویت می بینی (و در کارها به تو کمک می نماید)؛ هرگاه سؤال می کنی، از خداوند سؤال کن و هرگاه طلب کمک می نمایی، از خداوند درخواست کمک نما». [روایت ترمذی]

خواننده گرامی! پس از اینکه لحظاتی را با ویژگیهای اخلاقی و سیرت گهربار نبی اکرم صلی الله علیه و آله سپری نمودیم تا بدین سان حیات و زندگی را به دلهایمان باز گردانیم و در مسیر زندگی، از ایشان پیروی نماییم، باید بدانیم که در خانه های ما، اطفال و کودکانی هستند که به محبت پدر و عاطفه مادر نیاز دارند و قلبهای کوچکشان منتظرند که کسی آنها را خوشحال کند.

قابل یادآوری است که اگر کودکان ما، اینگونه رشد نمایند، عاطفه ای متعادل و اخلاقی درست خواهند داشت و هنگامی که بزرگ شوند، امت را رهبری خواهند کرد. این پدران و مادران هستند که بعد از توفیق الهی، مردان و بانوان بزرگ را تربیت می نمایند.

صبر و بردباری

زدن و بستن و گرفتن حقوق با زور و اجبار، یکی از ویژگیهای ظالمان و ستمگران است و از آنجا که پیامبر ما ﷺ اصول عدالت و کمک کردن به ستمدیدگان را پایه گذاری نموده است تا هر صاحب حقی به حقش برسد، ما به هیچ عنوان نگران نیستیم که در خانه اش ظلم و ستمی انجام بگیرد یا به حقوق کسی تعدی و تجاوز گردد.

عایشه رضی الله عنها می گوید: هرگز رسول خدا ﷺ هیچکس حتی زن و خدمتگذاری را با دستش کتک نزد مگر اینکه در راه خدا جهاد نماید. (یعنی فقط در جهاد می زد) و هرگز به خاطر خودش از کسی انتقام نمی گرفت مگر اینکه دستورات الهی زیر پا گذاشته می شد که در این صورت به خاطر خداوند انتقام می گرفت. [روایت احمد]

انس رضی الله عنه می گوید: با نبی اکرم ﷺ قدم می زدم. ایشان ردایی نجرانی که حاشیه ای ضخیم داشت، پوشیده بود. در این اثنا، مردی بادیه نشین به آن حضرت ﷺ رسید و ردایش را محکم کشید، طوری که من به گردن نبی اکرم ﷺ نگاه کردم و اثر حاشیه را که به شدت کشیده بود، دیدم؛ سپس آن مرد گفت: دستور بده تا از مال خدا که در اختیار توست، به من هم چیزی بدهند. رسول خدا ﷺ به او نگاه کرد و تبسم فرمود و دستور داد تا به او هم چیزی بدهند. [روایت بخاری و مسلم]

همچنین هنگامی که رسول الله ﷺ از غزوه حنین بر می گشت، تعدادی بادیه نشین به دنبالش آمدند و از او درخواست مال نمودند، تا جایی که آن حضرت ﷺ را مجبور ساختند زیر درختی برود؛ لباس رسول اکرم ﷺ که سوار بر شترش بود، به درخت گیر کرد. آن حضرت ﷺ فرمود: لباسم را به من بدهید. آیا می ترسید که من بخل بورزم؟ سوگند به خدا، اگر به تعداد این درختان بیابانی نعمت داشته باشم، میان شما تقسیم می نمایم. سپس متوجه می شوید که من بخیل، بزدل و دروغگو نیستم.^۱

۱- روایت بغوی در شرح السنه؛ و آلانی آن را صحیح دانسته است.

باید بدانید که یکی از بهترین شکل‌های تربیت و آموزش خوب، نرمش نشان دادن در همه کارها، شناخت مصلحتها و دفع مفسد است.

هنگامی که صحابه رضی الله عنهم فردی را دیدند که اشتباه کرد و دچار لغزش شد، به غیرت آمدند و برای باز داشتنش از انجام منکر، مبادرت ورزیدند و این، حق آنها بود؛ اما الگوی صبر و بردباری، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به خاطر نادانی آن فرد و پیامدهای ناگوار آن، از بروز هرگونه واکنشی بازداشت.

بطور قطع بهترین شیوه، شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: مردی بادیه نشین در مسجد ادرار کرد؛ مردم برخاستند تا او را تنبیه کنند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «او را به حال خود رها کنید و یک سطل آب روی ادرار او بریزید؛ زیرا شما مأموریت دارید که آسان بگیرید، نه سخت». [روایت بخاری]

از سوی دیگر، جا دارد که صبر و تحمل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر دعوت برای ما اسوه و الگو باشد تا از ایشان پیروی کنیم و به خاطر خودمان از مردم انتقام نگیریم.

عایشه رضی الله عنها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: آیا روزی سخت تر از روز احد بر سر شما آمده است؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «از سوی قومت سختیهای زیادی را متحمل شده‌ام، اما شدیدترین مشکلی که از سوی آنها با آن مواجه شدم، روز عقبه بود؛ یعنی هنگامی که خودم را به عبدیلیل بن عبد کلال عرضه کردم و خواسته‌ام را به او گفتم؛ او خواسته‌ام را نپذیرفت؛ من که به شدت اندوهگین بودم، به سویی که چهره‌ام به آن طرف بود، به راه افتادم و هنگامی که به خود آمدم، دیدم در قرن الثعالب هستم. آنجا سرم را بلند کردم، ناگهان چشمم به ابری افتاد که بر سرم سایه انداخته بود. به آن ابر نگاه کردم؛ جبرئیل علیه السلام را در میان آن دیدم. گفت: خداوند، سخنان قومت و پاسخی را که به تو دادند، شنید. اکنون فرشته کوهها را به سوی تو فرستاده است تا در مورد آنها هر چه می‌خواهی، به او دستور دهی. سپس فرشته کوهها مرا صدا زد و سلام کرد و گفت: ای محمد! خداوند، سخنان قومت را شنید؛ من، فرشته کوهها هستم. پروردگارم، مرا به سوی تو فرستاد تا در اختیار تو باشم و هر چه می‌خواهی، انجام دهم. اگر می‌خواهی دو کوه سخت مکه را

بر آنان فرود می آورم. رسول اکرم ﷺ فرمود: «من امیدوارم که خداوند، از نسل آنان، کسانی را بیاورد که فقط خدا را عبادت کنند و چیزی را با او شریک ن سازند». [روایت بخاری و مسلم]

متأسفانه امروزه بسیاری از مردم در امر دعوت عجله می کنند و می خواهند خیلی زود نتیجه بگیرند؛ در حالی که نبی اکرم ﷺ اینگونه نبود. باید دانست که انتقام گرفتن به خاطر خود در مسیر دعوت، نقص و عیب شمرده می شود. به همین خاطر بسیاری از حرکتها دچار شکست می شوند؛ زیرا مشکلات فوق دامنگیر افراد آنها می گردد، پس صبر و تحمل کجاست؟.

باید بدانیم که نبی اکرم ﷺ با صبر و مبارزه طولانی، پس از سالیان زیاد سرانجام به آرزویش رسید.

و كيف يسامي خير من وطني الثمري و في كل باع من علاه قصور
و كل شريف عنده متواضع و كل عظيم القريتين حقير
یعنی: «چگونه می توان با شخصی رقابت کرد که بهترین کسی است که روی زمین قدم نهاده و همه جا صحبت از بزرگیهای اوست و هر انسان بزرگواری، در برابر او متواضع و فروتن می باشد و همه بزرگان مکه و مدینه، در برابر او چیزی نیستند؟».

روزی رسول اکرم ﷺ همراه یارانش در تشییع جنازه ای شرکت داشت؛ در آن اثنا، فردی یهودی به نام زید بن سعه برای طلب قرضش نزد رسول خدا ﷺ آمد و پیراهن آن حضرت ﷺ را گرفت و با چهره ای خشن به سویش نگاه کرد و گفت: ای محمد! آیا قرضم را نمی دهی؟ و با نبی اکرم ﷺ خیلی تند و خشن سخن گفت.

از این حرکت او عمر بن خطاب رضی الله عنه خشمگین شد و در حالی که چشمانش در چهره اش همچون آسیاب می چرخید، گفت: ای دشمن خدا! آیا با رسول خدا ﷺ چنین سخن می گویی و اینگونه رفتای می کنی؟! سوگند به خدا، اگر از سرزنش نبی اکرم ﷺ نمی ترسیدم، سرت را با شمشیرم از تنت جدا می ساختم. اما رسول خدا ﷺ در کمال

آرامش به عمر بن خطاب رضی الله عنه نگاه می کرد؛ سپس فرمود: ای عمر! برو و حقش را ادا کن و علاوه بر آن، بیست پیمانه خرما نیز به او بده.

عمر بن خطاب رضی الله عنه دستور نبی اکرم صلی الله علیه و آله را اجرا کرد و قرضش را به او داد و علاوه بر آن، بیست پیمانه خرما نیز به آن افزود. در این هنگام زید (یهودی) گفت: ای عمر! اضافه چرا؟ عمر رضی الله عنه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من دستور داد تا در عوض خشم و ناراحتی ات اینها را به تو بدهم. زید گفت: ای عمر! آیا مرا می شناسی؟ عمر رضی الله عنه گفت: نه، تو کیستی؟ او، گفت: من، زید بن سعنه هستم. عمر رضی الله عنه گفت: زید بن سعنه دانشمند؟! گفت: آری؛ عمر رضی الله عنه گفت: چرا با رسول خدا صلی الله علیه و آله آنگونه رفتار کردی و آنطور سخن گفتی؟.

زید گفت: ای عمر! هنگامی که به چهره ایشان نگاه کردم، همه نشانه های نبوت را در چهره اش مشاهده نمودم و از دو ویژگی، خبر نداشتم که آیا در او وجود دارد یا نه؟ آن دو ویژگی، عبارتند از اینکه: آیا بردباریش از جهل و نادانیش پیشی می گیرد و آیا جهالت با او، باعث بردباری بیشترش می شود؟ لذا با این برخورد دو مورد فوق را آزمایش کردم. ای عمر! اکنون تو را گواه می گیرم که الله را به عنوان پروردگار، و اسلام را به عنوان دین، و محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان پیامبر پذیرفتم. همچنین تو را گواه می گیرم که نصف مالم را بر امت محمد صلی الله علیه و آله صدقه نمودم.

عمر رضی الله عنه گفت: بر تعدادی از امت محمد صلی الله علیه و آله صدقه کن؛ زیرا مال تو، اندک است و تعداد آنها زیاد.

زید گفت: «بر تعدادی از آنها صدقه است».

بدین ترتیب زید یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشت و گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».^۱ یعنی: «گواهی می دهم که هیچ معبود بحقی جز الله وجود ندارد و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست».

ما نیز لحظاتی به این موضع رسول اکرم صلی الله علیه و آله فکر می کنیم تا شاید از تأسی جستن به نبی اکرم صلی الله علیه و آله بهره ای ببریم، در برابر اذیت و آزار مردم صبر کنیم و آنان را با نرمی و

۱- حاکم در المستدرک روایت کرده و آن را صحیح دانسته است.

بردباری دعوت دهیم و اگر کار نیکی انجام دادند، آنها را تشویق کنیم و روحیه خوشبینی را در دلهایشان غرس نماییم.

عایشه رضی الله عنها می گوید: همراه نبی اکرم صلی الله علیه و آله به قصد انجام عمره از مدینه حرکت کردم تا اینکه به مکه رسیدم؛ آنجا گفتم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد. نمازهایم را هم قصر (دو رکعتی) و هم کامل خواندم. همچنین بعضی از روزها روزه گرفتم و بعضی از روزها را روزه نگرفتم؛ (حکم چیست)؟ فرمود: «ای عایشه! خوب کردی و از من انتقاد نکرد». [روایت نسائی]

غذای رسول الله ﷺ

سفره‌های رنگارنگ و دیگهای متنوع در خانه‌های سران و بزرگان و صاحبان قدرت، جابجا می‌شود. پیامبر این امت، سرزمینهای زیادی را در اختیار دارد و انسانهای زیادی، مطیع و فرمانبردار او هستند و کاروانهای آذوقه از مناطق مختلف نزد وی می‌آیند. بنابراین فکر می‌کنید آب و غذای پیامبر اکرم ﷺ باید چگونه باشد؟ آیا مانند پادشاهان زندگی می‌کند یا اینکه غذایی بهتر از غذای آنان می‌خورد؟ آیا غذایش مانند غذای سرمایه داران است یا غذایی کاملتر از غذای آنان میل می‌نماید؟

آری! از سادگی و کمی غذای رسول خدا ﷺ تعجب نکنید.

انس رضی الله عنه می‌گوید: اتفاق نیفتاد که نهار و شام پیامبر ﷺ گوشت و نان باشد و آن حضرت ﷺ شکم سیر غذا بخورد، مگر به دشواری. [روایت ترمذی]

نبی اکرم ﷺ، زمانی سیر غذا می‌خورد که مهمانی نزدش می‌آمد؛ به خاطر مهمان، غذای خوبی تدارک می‌دید تا انس و الفت بیشتر گردد و نیکیهای مهمانانش را جبران نماید.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: اهل بیت محمد ﷺ دو روز پشت سر هم از نان جو سیر نخوردند تا اینکه رسول خدا ﷺ وفات کرد. [روایت مسلم]

و در روایتی دیگر می‌گوید: از هنگامی که محمد ﷺ وارد مدینه شد، اهل بیتش سه شب پیایی از نان گندم سیر نخوردند تا اینکه آن حضرت ﷺ وفات نمود. [بخاری و مسلم]

بلکه چه بسا رسول خدا ﷺ چیزی برای خوردن نمی‌یافت و یک لقمه هم نمی‌خورد و با شکم گرسنه می‌خوابید. ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ و خانواده اش، چون غذایی برای خوردن نداشتند، شبهای متوالی گرسنه می‌خوابیدند و نان آنها، نان جو بود.

باید دانست که این وضعیت به خاطر قلت و یا نبودن غذا نبود. بلکه اموال زیادی از زیر دست پیامبر خدا ﷺ می‌گذشت و همانگونه که متذکر شدیم کاروانها نزدش می‌آمدند، اما خداوند ﷻ کاملترین و بهترین حالت را برای پیامبرش انتخاب نمود.

عقبه بن حارث ؓ می‌گوید: روزی نبی اکرم ﷺ نماز عصر را برای ما امامت نمود؛ سپس با عجله وارد خانه‌اش شد و دیری نگذشت که بیرون آمد. علت را جویا شدند. فرمود: «یک قطعه طلای صدقه، در خانه گذاشته بودم؛ پس ناگوار دانستم که شب در خانه ام بماند. لذا آن را تقسیم نمودم». [مسلم]

قابل یادآوری است که پیامبر این امت ﷺ از سخاوت و بخشش بی‌نظیری برخوردار بود.

انس ؓ می‌گوید: مردی نزد نبی اکرم ﷺ آمد؛ پیامبر اکرم ﷺ یک وادی گوسفند به او عنایت کرد.

آن مرد نزد قومش برگشت و گفت: ای قوم! مسلمان شوید؛ زیرا محمد ﷺ مانند کسی عطا و بخشش می‌نماید که از فقر نمی‌ترسد. [روایت مسلم]

دوستان گرامی! با این همه سخاوت و بخشش، به وضعیت پیامبر این امت بیندیشید. انس ؓ می‌گوید: سراغ ندارم که نبی اکرم ﷺ در ظرفهای کوچک و تشریفاتی غذا بخورد یا نان نازک (لواش) برایش پخته شود و یا روی میز نهارخوری غذا میل کند. [بخاری]

عایشه ؓ می‌گوید: نبی اکرم ﷺ نزد من می‌آمد و می‌فرمود: نهار داری؟ می‌گفتم: خیر. می‌فرمود: «پس من روزه هستم». [مسلم]

همچنین به ثبوت رسیده است که آن حضرت ﷺ یک ماه و دو ماه را فقط با آب و خرما سپری می‌کرد. [بخاری و مسلم]

با وجود این کمبود غذا و خوراکی، باز هم ادب اسلامی و اخلاق سترگش، باعث می‌شود تا از نعمتهای الهی سپاسگزاری نماید و از کسانی که غذا و خوراکی را فراهم ساخته اند، تشکر کند. اگر در درست کردن، اشتباهی صورت می‌گرفت، آنان را سرزنش

نمی‌کرد؛ چراکه آنان، تلاششان را کرده بودند. به همین خاطر پیامبر اکرم ﷺ از غذا عیب نمی‌گرفت، آشپز را سرزنش نمی‌کرد، آنچه را که وجود داشت، رد نمی‌نمود و چیزی را که وجود نداشت، طلب نمی‌کرد.

آری! آن بزرگوار، پیامبر این امت بود و هم و غمش، شکم و غذایش نبود. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: هرگز رسول خدا ﷺ از غذایی عیب نگرفت؛ اگر مورد علاقه اش بود، تناول می‌فرمود و در غیر این صورت، رهایش می‌کرد. [بخاری و مسلم]

اینک برای دوستان گرامی سخن شیخ الاسلام ابن تیمیه را بطور مختصر می‌آورم؛ وی، می‌گوید:

درباره نحوه خوردن و لباس پوشیدن، باید گفت که بهترین روش، روش محمد ﷺ است. روش ایشان در نحوه خوردن، این بود که هر چه میسر می‌شد، اگر اشتها داشت، تناول می‌فرمود؛ غذای موجود را رد نمی‌کرد و برای غذایی که وجود نداشت، تکلف نمی‌نمود؛ اگر گوشت و نان وجود داشت، می‌خورد و اگر فقط خرما و یا فقط نان وجود داشت، تناول می‌کرد. اینگونه نبود که اگر دو نوع غذا وجود داشت، بگوید: من دو نوع غذا نمی‌خورم. همچنین از خوردن غذا به خاطر لذت و شیرینیش امتناع نمی‌ورزید.

در حدیث آمده است که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «ولی من، روزه می‌گیرم و روزهایی را افطار می‌کنم؛ شب زنده داری می‌نمایم و می‌خوابم. با زنان ازدواج می‌کنم و گوشت نیز می‌خورم. پس هر کس، از سنت من رویگردانی کند، از من نیست».

خداوند تعالی به بندگانش دستور داده تا از روزی پاک او بخورند و شکرش را به جا آورند. پس هر کس، حلال خدا را بر خود حلال کند، متجاوز شمرده می‌شود.

همچنین کسی که سپاس نعمتهای خداوند را به جا نیاورد، در واقع کوتاهی کرده و حق خداوند را ضایع نموده است.

باید دانست که راه رسول خدا ﷺ بهترین و صحیحترین راههاست و کسانی که آن را ترک می‌کنند، از دو حال خالی نیستند:

یا گروهی هستند که از نعمتهای الهی در حد افراط استفاده می‌کنند، ولی از انجام واجبات رویگردانی می‌نمایند.

و یا گروهی هستند که نعمتهای حلال را بر خود حرام می‌سازند و رهبانیتی را بدعتگذاری می‌کنند که خداوند، آن را مشروع قرار نداده است؛ باید دانست که در اسلام رهبانیتی وجود ندارد.

ابن تیمیه می‌افزاید: هر چیز پاکی، حلال، و هر حلالی، پاک است. زیرا خداوند عزوجل اشیای پاک را برای ما حلال، و اشیای ناپاک را برای ما حرام نموده است. همچنین خداوند متعال، هر چیز مضر را برای ما حرام و هر چیز مفید را برای ما حلال قرار داده است.

دفاع از آبروی دیگران

بهترین مجالس، مجالس علم و ذکر است. پس اگر در این مجلس، برگزیده فرزندان آدم، معلم بشریت، رسول خدا ﷺ با رهنمودهای گهربارش حضور داشته باشد، تصور شما در مورد آن چیست؟.

یکی از ویژگیهای مجالس رسول خدا ﷺ که خود دلیلی بر پاکی ضمیر و مجلسش به شمار می رود، این است که وی اشتباه کننده را از اشتباهش باز می داشت، نادان را آموزش می داد، غافل را آگاه می ساخت و در مجلسش تنها خیر و نیکی را می پذیرفت. همچنین اگر سکوت می کرد و به سخنان دیگران گوش فرا می داد، غیبت کردن را نمی پذیرفت و سخن چینی و تهمت را انکار می نمود. بدین ترتیب از آبروی دیگران دفاع می کرد.

عتبان بن مالک رضی الله عنه می گوید: روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله برخاست تا نماز بخواند. پس پرسید: «مالک بن دحشم کجاست؟».

شخصی گفت: او، فرد منافقی است که خدا و رسولش را دوست ندارد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چنین مگو؛ آیا نمی بینی که او به خاطر رضای خداوند، لا إله إلا الله گفته و همانا خداوند، آتش را بر کسی که به خاطر رضای او لا إله إلا الله بگوید، حرام ساخته است.» [بخاری و مسلم]

همچنین نبی اکرم صلی الله علیه و آله مردم را از گواهی دروغ بر حذر می داشت. ابوبکر رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره باخبر نسازم؟ گفتیم: بلی ای رسول خدا! فرمود: «شرک به خدا و نافرمانی والدین». آن حضرت صلی الله علیه و آله که پیشتر تکیه داده بود، نشست و فرمود: «آگاه باشد که شهادت دروغ هم یکی از گناهان کبیره است». و آنقدر این جمله را تکرار نمود که ما گفتیم: ای کاش! سکوت می کرد. [بخاری و مسلم]

آن حضرت صلی الله علیه و آله با آنکه ام المؤمنین، عایشه رضی الله عنها را بسیار دوست داشت، اما غیبت کردن را از ایشان نپذیرفت و خطر بزرگ غیبت را به ایشان گوشزد فرمود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: به نبی اکرم صلی الله علیه و آله گفتم: همین عیب صفیه برایت کافی است که چنین و چنان (قد کوتاه) است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سخنی به زبان آوردی که اگر با آب دریا درآمیزد، آن را آلوده می سازد». [ابو داود]

همچنین نبی اکرم صلی الله علیه و آله به کسی که از آبروی برادرانش دفاع نماید، بشارت داده و فرموده است: «هر کس، در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع نماید، بر خداوند واجب است که او را از آتش آزاد سازد». [روایت احمد]

کثرت ذکر خداوند متعال

مربی اول، پیامبر این امت، محمد مصطفی ﷺ، بهره وافری از عبادت و ارتباط قلبی با خداوند ﷻ داشت. او، نمی گذاشت که لحظه‌ای از وقتش، بدون ذکر و سپاس خداوند و استغفار، سپری شود. با وجودی که گناهان گذشته و آینده اش مغفرت شده بود، اما وی، بنده‌ای شاکر و سپاسگزار بود. او، جایگاه پروردگارش را خوب شناخته بود؛ لذا به دعا و نیایش می پرداخت. همچنین ارزش لحظات زندگیش را می دانست؛ از اینرو از وقتش خوب استفاده می کرد و آن را در راه طاعت و عبادت، سپری می نمود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ در هر حال به یاد خدا بود. [روایت مسلم]
ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: ما می شمردیم که رسول الله ﷺ در یک مجلس، صد بار می گفت: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». [روایت ابو داود]

یعنی: «پروردگارا! مرا مغفرت کن و توبه ام را بپذیر؛ همانا تو، توبه پذیر و مهربانی». ابوهریره رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ فرمود: «به خدا سوگند، من روزانه بیش از هفتاد بار از خداوند طلب مغفرت کرده، توبه می نمایم». [روایت بخاری]
ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها می گوید: هنگامی که رسول الله ﷺ نزد من بود، بیشترین دعایش این بود که: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». [روایت ترمذی] یعنی: «ای گرداننده دلها! دلم را بر دینت استوار نگه دار».

همسایه

چه نیکوست همسایگی رسول الله ﷺ! همسایه نزد رسول خدا ﷺ از جایگاه والایی برخوردار بود؛ تا جایی که فرمود: «جبرئیل (علیه السلام) همچنان مرا در مورد همسایه توصیه می کرد تا آنجا که فکر می کردم او را شریک میراث قرار می دهد». [روایت بخاری و مسلم]

همچنین پیامبر اکرم ﷺ در مورد همسایه به ابوذر رضی الله عنه توصیه کرد و فرمود: «ای ابوذر! هرگاه شوربایی تهیه کردی، آتش را زیاد کن و به همسایگانت توجه داشته باش». [روایت مسلم]

همچنین نبی بزرگوار اسلام ﷺ مردم را از اذیت و آزار همسایه برحذر داشت و فرمود: «هر آنکس که همسایه اش، از اذیت و آزار وی در امان نباشد، وارد بهشت نمی شود». [روایت مسلم]

مبارک و خجسته باشد بر همسایه که نبی اکرم ﷺ درباره اش فرموده است: «هرکس، به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به همسایه اش نیکی کند». [روایت مسلم]

برخورد خوب

عایشه رضی الله عنها می گوید: هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اطلاع می یافت که فلان شخص، سخنی ناشایست بر زبان آورده است، نمی گفت: چرا فلانی چنین گفته است؛ بلکه (بدون ذکر نام آن شخص) می فرمود: «چرا برخی از مردم چنین و چنان می گویند؟» [روایت ترمذی]

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: مردی که رنگ زرد به چهره اش زده بود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد. کم اتفاق می افتاد که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم با شخصی ملاقات نماید که در چهره اش چیزی ناشایست (اثری خلاف شریعت) باشد؛ لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از رفتن آن شخص، فرمود: «چه خوب بود اگر به این شخص دستور می دادید که آن رنگ را از چهره اش بشوید». [روایت ابوداود و احمد]

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آیا به شما نگویم که آتش جهنم بر چه کسی حرام است؟ آتش، بر هر شخصی که با مردم ارتباط نزدیکی داشته و آسانگیر، متواضع و نرم خوی باشد، حرام است». [روایت ترمذی]

ادای حقوق

باید دانست که حقوق زیادی بر عهده انسان است؛ حقوق خداوند، حقوق خانواده، حقوق نفس و حقوق بندگان. فکر می‌کنید رسول خدا ﷺ چگونه برای وقتش برنامه ریزی نمود و از لحظات زندگیش استفاده کرد؟.

انس رضی الله عنه می‌گوید: سه نفر به حجره های نبی اکرم ﷺ آمدند و درباره عبادت ایشان پرسیدند؛ هنگامی که از میزان عبادت آن حضرت ﷺ مطلع شدند، گویا آن را اندک شمردند و گفتند: ما، کجا و نبی اکرم کجا؟! گناهان گذشته و آینده وی بخشیده شده است. لذا یکی از آنان گفت: من، تمام شب به عبادت می‌پردازم. دیگری گفت: من، همیشه روزه می‌گیرم و هیچ روزی را بدون روزه سپری نمی‌کنم. سومی گفت: من، عزلت و گوشه نشینی را انتخاب می‌نمایم و هرگز ازدواج نمی‌کنم.

رسول خدا ﷺ پس از آنکه از این موضوع اطلاع یافت، نزد آنان رفت و فرمود: «شما همان کسانی هستید که چنین گفته اید؟ من، بیش از همه شما از خدا می‌ترسم و تقوای بیشتری دارم؛ ولی در عین حال، بعضی از روزها را روزه می‌گیرم و برخی دیگر را روزه نمی‌گیرم. پاسی از شب را نماز می‌خوانم و قسمتی از آن را می‌خوابم؛ همچنین با زنان ازدواج می‌نمایم. پس هر کس، از سنت و روش من رویگردانی کند، از من نیست.» [بخاری و مسلم]

شجاعت و صبر رسول خدا ﷺ

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بهره زیادی از شجاعت داشت و از آن در جهت گسترش دین و به اهتزاز درآوردن پرچم یکتاپرستی بخوبی استفاده نمود. آری! رسول رحمت ﷺ از نعمتهایی که خداوند به وی عنایت کرده بود، بجا و درست استفاده کرد.

عایشه صدیقه همسر گرامی نبی اکرم ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ جز هنگام جهاد در راه خدا، هیچکس را کتک نزد. همچنین پیامبر اکرم ﷺ هرگز خدمتگزاران و همسرانش را کتک نمی زد. [روایت مسلم]

یکی از بارزترین دلایل شجاعت وی، این است که دعوتش را به تنهایی آغاز کرد و در برابر کفار و سرداران قریش مقاومت نمود تا اینکه خداوند، او را پیروز گردانید. رسول خدا ﷺ هیچگاه نگفت: من، تنهایی و همه مردم در برابرم ایستاده اند؛ بلکه بر خداوند ﷻ توکل نمود و مردم را آشکارا به دین خدا فرا خواند. وی، شجاعترین مردم بود و از همه آنان، قاطعیت بیشتری داشت. در مواضعی که سایر مردم، فرار می کردند، او، ثابت قدم می ماند.

نبی اکرم ﷺ سالها در غار حرا به عبادت پرداخت؛ بدون اینکه مورد تعرض و اذیت و آزار قرار بگیرد، اما به محض اینکه دعوت توحید را آشکار ساخت و مردم را به یکتاپرستی فرا خواند، همه کفار، او را هدف قرار دادند و با تعجب گفتند: ﴿أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا﴾ [ص: ۵].

یعنی: «آیا او، به جای این همه خدا، به خدای واحدی معتقد است؟». آنان، تنها را واسطه قرار می دادند؛ چنانچه خداوند ﷻ به نقل قول از آنان می فرماید: ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ [الزمر: ۳].

یعنی: «ما، بتها را صرفاً بدین خاطر عبادت می کنیم که ما را به خداوند نزدیک گردانند».

مشرکین، توحید ربوبیت را قبول داشتند. خداوند متعال، می فرماید: ﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مِّنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾ [لقمان: ۲۵].

یعنی: «اگر از مشرکین سؤال کنی که آسمانها و زمین را چه کسی آفریده است، حتماً در جواب می گویند: الله».

برادر مسلمانم! بد نیست در اینجا نگاهی به اوضاع امروزی مسلمانان بیندازیم. ملاحظه می کنیم که چگونه به دام شرک افتاده اند؛ عده ای مردگان را صدا می زنند، برخی به آنان توسل می جویند، برای آنان نذر می کنند، از آنان می ترسند و به کمک آنها امیدوارند، تا جایی که ریسمان ارتباط آنان با خداوند عز و جل قطع شده است و مردگان را به منزله خداوند زنده و جاویدان قرار داده اند: ﴿إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ﴾ [المائدة: ۷۲].

یعنی: «هر کس به خدا شرک ورزد، خداوند، بهشت را بر او حرام می نماید و جایش در آتش است».

اکنون که سخن از شجاعت به میان آمد، کوه احد در سمت شمال، نگاهمان را از داخل خانه به سوی خود جلب می کند؛ همان جایی که نبردی سنگین میان اسلام و کفر رخ داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگ به شدت مجروح گردید، چهره مبارکش خونین شد، دندانهایش شکست و از ناحیه سر به شدت آسیب دید و بدین سان صبر و ثبات و شجاعتش در این نبرد سنگین، به نمایش درآمد و هویدا گردید.

سهل بن سعد رضی الله عنه از آن روز بزرگ و از زخمی شدن نبی اکرم صلی الله علیه و آله سخن به میان آورد و گفت: به خدا سوگند، من می دانم که چه کسی زخم رسول خدا صلی الله علیه و آله را شستشو می داد و چه کسی آب می ریخت و زخم آن حضرت صلی الله علیه و آله با چه چیزی مداوا گردید. علی بن ابی

طالب ﷺ آب می ریخت و فاطمه ﷺ زخم را شستشو می داد. هنگامی که فاطمه ﷺ متوجه شد آب، باعث افزایش خونریزی می شود، قطعه ای حصیر برداشت و آن را سوزاند و بر زخم گذاشت. در نتیجه، خونریزی متوقف شد. [روایت مسلم]

عباس بن عبدالمطلب ﷺ رسول الله ﷺ را در نبرد حنین چنین توصیف می نماید: هنگامی که مسلمانان پشت کردند و برگشتند، نبی اکرم ﷺ همچنان مرکبش را به سوی کفار می راند. من که افسار مرکبش را به دست داشتم، سعی می نمودم که آن را نگه دارم تا به سرعت پیش نرود. در این اثنا نبی اکرم ﷺ می فرمود:

أنا النبی لا کذب أنا بن عبدالمطلب

یعنی: «من، پیامبری هستم که دروغ نمی گوید؛ من، فرزند عبدالمطلب هستم». [روایت مسلم]

آری! علی بن ابی طالب ﷺ، آن شهسوار شجاع، صاحب مواقف و وقایع معروف و مشهور، در مورد رسول الله ﷺ می گوید: هنگامی که تنور جنگ داغ می شد و جنگ تن به تن، آغاز می گردید، به رسول خدا ﷺ پناه می بردیم. پس آن حضرت ﷺ از همه ما به دشمن نزدیکتر بود. [شرح السنه؛ نگا: صحیح مسلم ۱/۳: ۱۴۰].

صبر رسول خدا ﷺ در امر دعوت، مثال زدنی است و الگویی نیکو برای ما به شمار می رود. تا آنجا که خداوند ﷻ، پرچم این دین را به اهتزاز درآورد و سپاه اسلام، شبه جزیره عربستان و ماوراءالنهر را زیر پا گذاشت و اسلام وارد شهرها و روستاهای مختلف این دیار گردید.

رسول الله ﷺ می فرماید: «زمانی که هیچکس ترسانده نمی شد، من به خاطر خدا ترسانیده شدم و زمانی که هیچکس اذیت و آزار نمی شد، من به خاطر خداوند اذیت و آزار شدم. سی شبانه روز می گذشت و من و بلال غذایی نداشتیم که موجود زنده ای آن را بخورد مگر چیز اندکی که زیر بغل بلال جای می گرفت». [روایت ترمذی و احمد]

دعای رسول خدا ﷺ

باید دانست که دعا، عبادت بزرگی است و نباید از غیر خدا کمک بخواهیم و یا فریادخواهی نماییم. همچنین انسان هنگام دعا کردن، در واقع، نیازمند بودنش را به الله متعال ابراز می‌دارد و با زبان حال می‌گوید: من، هیچ قدرت و توانی ندارم. این، بندگی و عجز بشر را می‌رساند. از سوی دیگر دعا در واقع، حمد و ثنای پروردگار و نسبت دادن جود و کرم به ذات باری تعالی است. به همین خاطر رسول الله ﷺ فرمود: «دعا، عبادت است». [روایت ترمذی]

رسول خدا ﷺ بسیار دعا می‌کرد و نزد پروردگارش تضرع و زاری می‌نمود و در بارگاه خداوند متعال اظهار نیاز می‌کرد و در دعاهایش از کلمات پرمحتوا و جامع استفاده می‌نمود.

اینک برخی از دعاهایش:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ». [روایت مسلم]

یعنی: «خدایا! دینم را که باعث نجات از آتش جهنم و دنیایم را که حیات و زندگی من در آنست و آخرتم را که منزلگاه من است، خوب و نیکو بگردان و زندگی ام را باعث افزایش نیکیهایم و مرگم را باعث رهایی ام از همه بدیها قرار بده».

«اللَّهُمَّ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ وَأَنْ أَقْتَرِفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا أَوْ أَجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ». [روایت ابوداود]

«پروردگارا! ای دانای پیدا و پنهان! ای آفریننده آسمان و زمین! ای پروردگار و مالک همه چیز! گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی، جز تو نیست؛ از شر شیطان و دام

فریش به تو پناه می‌برم و از اینکه مرتکب کار بدی شوم و یا به مسلمانی، بدی برسانم، به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ». [روایت ترمذی]

یعنی: «خدایا! مرا با رزق حلال، کفایت کن و رزق حرام نصیبم مگردان و با فضل خود، مرا از دیگران بی نیاز بفرما».

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَلْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى». [بخاری و مسلم]

یعنی: «خدایا! مرا مغفرت کن؛ به من رحم نما و مرا به رفیق اعلی ملحق ساز».

رسول خدا ﷺ در سختی و آسانی، بسیار دعا می‌کرد و دست نیازش را به درگاه پرورگارش دراز می‌نمود.

رسول اکرم ﷺ روز جنگ بدر آنقدر برای پیروزی مسلمانان و شکست کفار دعا کرد که ردایش از بالای شانه هایش افتاد. همچنین آن حضرت ﷺ برای خودش، اهل بیتش و نیز برای سایر مسلمانان دعا می‌نمود.

پایان ملاقات

پس از اینکه گوشهای ما با سخنان گهربار، سیرت عطرآگین و نیز با شنیدن جهاد و صبر طولانی رسول الله ﷺ نوازش شد، برای کامل شدن خیر و حرکت کردن در راه راست، باید بدانیم که آن حضرت ﷺ حقوقی بر امتش دارد که برخی از آنها عبارتند از: ایمان آوردن به ایشان با گفتار و کردار؛ تصدیق تمام آنچه که از جانب خداوند ﷻ آورده است؛ فرمانبرداری از آن حضرت ﷺ و پرهیز از نافرمانی وی؛ داور قرار دادن او و رضایت داشتن به داوری اش؛ شناخت مقام و منزلتش بدون افراط و تفریط؛ الگو قرار دادن وی در تمام کارها؛ او را بیش از همه مردم دوست داشتن؛ احترام گذاشتن به وی؛ دفاع از سنتهایش و احیا نمودن آنها در میان مردم؛ دوست داشتن یارانش و نیز مطالعه سیرت آنان و دفاع از آنها.

خداوند ﷻ می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

یعنی: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ﷺ درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر محمد ﷺ سلام و درود بفرستید».

همچنین نبی اکرم ﷺ می فرماید: «یکی از بهترین روزهای شما، روز جمعه است؛ در همین روز، آدم علیهِ السلام آفریده شد و در همین روز، در صور دمیده می شود و انسانها بیهوش می گردند. لذا در این روز بر من بسیار درود بفرستید؛ زیرا درود شما بر من عرضه می شود». فردی گفت: ای رسول خدا! چگونه درود ما، بر شما عرضه می گردد؛ حال آنکه شما در قبر کهنه و فرسوده شده اید؟.

آن حضرت ﷺ فرمود: «خداوند، خوردن اجساد پیامبران را بر زمین حرام کرده است». [ابو داود و ابن ماجه و تصحیح آل بانی]

لذا امت محمد ﷺ نباید نسبت به این پیامبر رحمت بخل بورزد؛ چراکه نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «بخیل، کسی است که مرا نزدش یاد کنند و بر من درود نفرستد».

[روایت ترمذی]

همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر گروهی که در جایی بنشینند و خدا را یاد نکنند و بر پیامبرشان درود نفرستند، نشست آنان، باعث حسرت و ندامت خواهد شد؛ لذا اگر خداوند بخواهد، آنها را عذاب می‌دهد و اگر بخواهد، آنان را می‌آمرزد».

[روایت ترمذی]

لحظات خداحافظی

در حالی این خانه مالا مال از ایمان و سرشار از اطاعت و بندگی را ترک می‌کنیم که سنت رسول الله ﷺ به عنوان چراغی بر فراز راه کسانی که به دنبال نجات و هدایت هستند، برای ما نورافشانی می‌نماید و باقی می‌ماند.

در اینجا لحظاتی را با علمای سلف و علاقه‌ای که به پیروی از سنت رسول الله ﷺ داشتند، سپری می‌کنیم؛ شاید خداوند به ما نیز توفیق تاسی و اقتدا عنایت فرماید.

امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمه الله می‌گوید: هیچ حدیثی را ننوشتیم مگر اینکه به آن عمل نمودم تا اینکه به این حدیث رسیدم که نبی اکرم ﷺ حجامت کرد و به ابوطیبه یک دینار داد. از اینرو من نیز حجامت نمودم و به حجامتگر یک دینار دادم. [السیر: ۱۱/۲۱۳]

از عبدالرحمن بن مهدی نقل است که سفیان می‌گفت: هر حدیثی که از رسول الله ﷺ به من رسیده، برای یک بار هم که شده، به آن عمل نموده‌ام.

مسلم بن یسار می‌گوید: در عین حال که بیرون آوردن کفشها برایم راحت تر است، من با آنها نماز می‌خوانم و با این کارم هدفی جز عمل به سنت ندارم. [السیر: ۷/۲۴۲؛ الزهد: ۳۳۵ تألیف احمد بن حنبل].

در پایان، حدیثی بزرگ به برادران عزیزم تقدیم می‌نمایم؛ رسول الله ﷺ فرموده است: «همه امتیانم وارد بهشت می‌شوند مگر کسی که انکار کند».

صحابه رضی الله عنهم عرض کردند: ای رسول خدا! چه کسی انکار می‌کند؟ فرمود: «هر کس، از من اطاعت نماید، وارد بهشت می‌شود و هر کس از من نافرمانی کند، در حقیقت انکار نموده است». [روایت بخاری]

خدایا! محبت پیامبر و هدایت و راه ایشان را نصیبمان فرما.

الهی! ما را گمراه و گمراه کننده مگردان.

پروردگارا! تا زمانی که شب و روز جریان دارند و به اندازه‌ای که انسانهای نیکوکار محمد ﷺ را یاد می‌کنند، بر او درود بفرست.

بارخدا یا! همنشینی ایشان را در فردوس اعلیٰ به ما عنایت کن.

بار الها! چشمان ما را با دیدن آن حضرت ﷺ و نوشیدن جرعه‌ای از حوض کوثرش روشن گردان تا هرگز بعد از آن تشنه نشویم.

وصلی الله علی نبینا محمد و آله و أصحابه أجمعین